هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم سال پنجم شمارهٔ هفدهم چهارشنبه ۱۸ اسد ۱۳۸۵ ۱۴ رجب المرجب ۱۴۲۶ — August 9 , 2006

نزدیک به چهل روز است که اسرائیل در فلسطین و لبنان به کشتار بی رحمانه ادامه می دهد و جهان مانع آن نمی شود



مردم لبنان قربانیان یک کشتار جمعی را تشییع می کنند

جنگ اسرائیل برضد مردم فلسطین وارد نزدیک به چهل روز و برضد مردم لبنان وارد بیست و هشتمین روزش می شود.

اسرائیل در این مدت به بی رحمانه ترین شکل مردم غیر نظامی فلسطین و لبنان را مورد حملهء توپخانهء زمینی و دریایی و جنگنده های نیروی هوایی قرار داده است، زیر ساخت های اقتصادی مانند نیروگاه های برق و جاده ها و پل ها و کارخانه ها و صدها ساختمان و منزل مسکونی را ویران کرده است.

در فلسطین چندین وزیر و بیش از بیست نمایندهء پارلمان را با رئیس آن به زندان انداخته و نخست وزیر فلسطین را مورد سوء قصد قرار داده است.

اسرائیل در لبنان تمامی روستاها و شهرک های جنوبی آن را تا حومهء بیروت پیوسته در این مدت بمباران کرده است و در چندین روستا مانند قانا و شیاح و... دست به کشتار جمعی زده است. تا هنوز قربانیان این جنگ وحشی در لبنان به هزار و چند صد نفر



ارتش اسرائیل کشته ها و زخمیانش را انتقال می دهد

می رسند که بیشترین آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند، و چند صد هزار نفر دیگر خانه های شان را ترک گفته به سوریه پناه برده و یا در مکتب ها و پارک های شهر بیروت جای گرفته اند. **ادامه در ص۸**

پیام استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان به پرفیسر نجم الدین اربکان رهبر حزب سعادت ترکیه:

موقف ملت مسلمان و غیور ترکیه را در حمایت از ملت فلسطین می ستایم



بسم الله الرحمن الرحیم

برادرم پرفیسر نجم الدین اربکان حفظه الله تعالی و رعاه

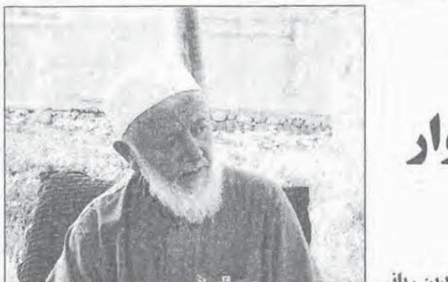
السلام علیکم و رحمه الله وبرکاته

بی تردید تجاوز وحشیانه و بربری صهیونیستان برضد ملت بی دفاع فلسطین و کشتن کودکان شیر خوار و پیران زمین گیر، و گرسنگان وامانده و در محاصرت، و هدف قرار دادن خانه های آنان از زمین و دریا و هوا به صورت شبانه روزی بی مبالغه بزرگترین فاجعهء عصر به شمار می رود.

آنچه قلب ها را خونین می کند و روان ها را می سوزاند این است که همهء این جنایت ها در برابر چشمان جهان انجام می پذیرد، جهانی که به نام متمدن یاد می شود و داد از حقوق بشر و عدالت و تمدن و کرامت انسانی می زند.

و بدتر از همهء این ها سکوت بیشتر رهبران مسلمان در برابر این فاجعه است که صهیونیستان پس از آن که میلیون ها فلسطینی را از روستاها و شهرهای شان بیرون راندند اکنون به کشتار و نابود کردن نهایی باقی ماندگان آنان دست می یازند و همهء این جنایت ها را برای رهایی یک سرباز اسیر شده انجام می دهند.

در حالی که بر بی مبالاتی که ملت بی گناه و مظلوم فلسطین به آن مواجه است تأسف می کنیم از ملت های مسلمان و رهبران آنان و آزادگان جهان و سازمان های بین المللی و حقوق بشر می خواهیم که برای متوقف کردن این کشتار بی گناهان تلاش ورزند. ادامه در ص۷



به یاد استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا

به قلم استاد برهان الدین ربانی

ص۳

معاون اول ریاست جمهوری رئیس و اعضای جدید ستره محکمه را معرفی کرد

احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان روز دوشنبه ۱۶ اسد پوهاند عبدالسلام عظیمی رئیس ستره محکمه و اعضای جدید آن را به کارمندان این ارگان معرفی کرد. در محفلی که در تالار کنفرانس های ستره محکمه بدین مناسبت برگزار شده بود معاون اول ریاست جمهوری ضمن بر شمردن توانایی ها و شایستگی های پوهاند عظیمی برای این کار خطیر او را شخصیت علمی کم نظیر در کشور دانست و گفت:

برای من جای نهایت مسرت است که امروز رئیس و اعضای ستره محکمهء افغانستان را که پس از پیشنهاد رئیس جمهور و با تأیید نمایندگان انتخابی مردم، به این کرسی های پر مسؤولیت برگزیده شده اند، به شما معرفی می دارم.

او افزود: امروز ما در جایگاهی قرار داریم که بزرگترین آرزو و حق مردم، بایست از همین جا بر آورده گردد. وظیفه یی پر مسؤولیت تر از تأمین عدالت درمیان مردم، وجود ندارد؛ تا جایی که خداوند متعال در آیهء مبارکه یی در سورهء مائده می فرماید:

"ای کسانی که ایمان آورده اید؛ همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت، گواهی دهید، دشمنی با قومی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند. عدالت بورزید که به پرهیزگاری و تقوا نزدیکتر است، و از خدا بترسید که به هرچه می کنید، آگاه است."

معاون اول ریاست جمهوری در اشارت به وضعیت قضا در کشور گفت: از این واقعیت نباید چشم پوشید که امروز بیشترین شکایت مردم، به آدرس محاکم عنوان می شود؛ زیرا اساساً، محاکم باید به رفع شکایت و سپردن حق به حقدار بپردازند. با آن که موجودیت شکایت مردم در مواردی طبیعی است؛ و تأمین حق و عدالت، آن هم در اوضاع کنونی کشور که تازه از بحران برون آمده و بسیاری مؤسسات ما به شمول محاکم، کفایت لازم کاری را ندارند، کار سهل و ساده یی نیست؛ اما نباید، به همین دلیل اکتفا کرد و گذاشت که حق مردم به علت موجودیت فساد اداری، قصداً تلف شود.

او افزود: برای تأمین حق و عدالت درمیان مردم، وارد آوردن اصلاحات در سیستم قضایی کشور، امری نهایت حتمی است؛ و من مشخصاً در همین بخش برای شخص رئیس و اعضای ستره محکمه، موفقیت های بسیار بزرگ را از بارگاه الهی آرزومندم.

مولوی فضل الهادی شینواری رئیس پیشین ستره محکمه نیز سخنانی در باب قضا در افغانستان و نیز پیرامون کارهایی که در دوران ریاست ایشان در طی بیش از چهار و نیم سال انجام شده بود ارشاداتی کرد و گفت: قضا در شرایط کنونی افغانستان به همکاری مردم و کارمندان قضا و دولت نیاز جدی دارد و من آرزومند هستم که از چنین همکاریی رئیس و اعضای جدید ستره محکمه بهره مند شوند.

پوهاند عبدالسلام عظیمی ضمن قدردانی از خدمت قضا در دوران ریاست مولوی شینواری بر ایجاد اصلاحات در سیستم و روند قضا تأکید کرد و گفت که در قضایای دعوی سوء استفاده هایی زیاد متصور است که بیشتر در جعل و تزویر منشأ دارد و تلاش خواهد ورزید که به این گونه مسائل در قضا پایان بخشد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی صندوق پستی : ۲۲۶
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

اشتباه آمیز بودن موافقتنامهء بن

تام لونیکس نماینده، ویژه، دبیر کل سازمان ملل متحد برای افغانستان روز دوشنبه ۱۶ اسد در کابل در یک کنفرانس خبری به نقل قول از اخضر ابراهیمی نماینده، پیشین سازمان ملل در افغانستان گفت که عدم فراخواندن طالبان برای سهم گیری در کنفرانس بن و دولتی که پس از آن ساخته شد اشتباهی بوده که بر شمار دشمنان افغانستان افزوده است.

نماینده، ویژه، سازمان ملل متحد تنها با عدم حضور طالبان در مذاکرات و تصمیم گیری های کنفرانس بن، این موافقتنامه را اشتباه آلود خوانده است، اما به جوانبی دیگر از اشتباهات این موافقتنامه و اشتباهاتی که در روند تطبیق آن رخ داده است اشارتی نکرده است.

کنفرانس بن در اوضاع و شرایطی از سوی سازمان ملل برگزار شد که نیروی های ائتلاف بین المللی پس از حادثه، ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جهت سرکوب القاعده وارد افغانستان شده بودند و نیروهای دولت اسلامی افغانستان که سالیانی را در جنگ با طالبان و القاعده گذرانیده بودند پس از سقوط حاکمیت آنان به کابل آمده بودند.

جناح های کنفرانس بن عبارت بودند از جبهه، متحد ملی اسلامی برای نجات افغانستان و اجلاس قبرص و مجلس روم و مجلس پیشاور، سازمان ملل متحد در آن زمان به حمایت جامعه، جهانی و در رأس آن ایالات متحده، آمریکا تلاش می کرد این جناح ها را به عناصر اصلی بحران و نزاع در افغانستان معرفی کند که با توافق آنان مشکل افغانستان پایان می یابد، در حالی که از میان این چهار گروه تنها جبهه، متحد بود که عملاً در افغانستان حضور داشت و یک طرف نزاع را تشکیل می داد، شرکت دادن برخی از این جناح ها از روی ناگزیری و شرکت دادن برخی دیگر برای دیکاراسیون طرح صورت پذیرفت.

از همان آغاز چنین معلوم می شد که در طرح و تصویب موافقتنامه، این کنفرانس بیشتر اوضاع و نیازها و طرح های دیگران مورد توجه است تا نیازهای اساسی مردم افغانستان برای پایان دادن دایم به بحران در کشورشان. در آن زمان تلاش شد که به زودی طرحی مورد تصویب قرار گیرد بدون آن که عناصر اساسی آن بسیار شکافته شود و از پهلوهای متعدد مورد دقت و مطالعه قرار گیرد، در آن وقت رهبری دولت اسلامی افغانستان اصرار داشت که موافقتنامه باید پس از بررسی دقیق جوانب متعدد آن به گونه یی که پاسخ گوی بحران باشد در کابل ـ که در آن زمان از امنیت کامل برخوردار بود ـ به امضاء برسد، اما کسانی که در برگزاری آن اشراف داشتند می خواستند با شتاب هرچه بیشتر این کار انجام پذیرد.

تطبیق عناصر مهم موافقتنامه، بن مانند برگزاری لویه جرگه، اضطراری و لویه جرگه، تصویب قانون اساسی و... پیوسته اشتباه آمیز بوده است. در هیچ یک از مقطع های آن به هیچ شکایتی منطقی پاسخ گفته نشد. هر آن چه را مدیران آن کردند درست بود!

جمعیت اسلامی افغانستان همواره طرفدار تفاهم و گفتگو برای حل بحران بوده است. به همین دلیل بود زمانی که در رهبری حکومت قرار داشت پیوسته از مخالفان مسلح خود خواست که مشکل را از راه تفاهم و گفتگو حل کنند نه با فشار و تکیه بر جنگ و خونریزی، به تکرار از حکمتیار خواست که از جنگ دست بکشد و به راه های حل صلح آمیز بپیوندد، همچنان این کار را به تکرار از طالبان تقاضا کرد، رهبری جمعیت با آنان گاهی با قبول خطرهای جدی در داخل افغانستان به مذاکره نشست و در خارج نیز برای مذاکره با آنان هیأت هایی را به کشورهای اوزبیکستان و ترکمنستان و... فرستاد ولی طالبان جز جنگ و خونریزی رسمی دیگر را نمی شناختند.

ما باور داریم که جنگ به هیچ گونه نمی تواند راه حل دایمی داشته باشد. برای پایان دادن به جنگ در افغانستان نخست عوامل آن را باید شناسایی کرد. برخی از این عوامل گاهی پنهان می شود و زمانی ظاهر می گردد، گاهی در یک سیما و زمانی در سیمایی دیگر ما وقتی می توانیم ریشه های عوامل درونی بحران را بخشکانیم که همه برادرانه با عدالت و برابری مشکلات مان را با تفاهم و گفتگو حل کنیم به گونه یی که منافع ملی بر ملاحظات بیرونی چیره گردد، همه، طرف ها از جمله طالبان اگر با چنین روح و فرهنگی وارد شوند بی تردید آن وقت است که گامی بلند در راه پایان دادن واقعی به بحران مزمن کشورمان برداشته شده است.

وضعیت زبان

در افغانستان کنونی

واقف حکیمی

تأکید بر فرهنگ خودی و توسعه، فرهنگ ملی مسأله یی است که نه تنها در کشورما بلکه در همه کشورهای جهان پیوسته از سوی بخردان و فرهیختگان مطرح شده است، و حتی تکیه بر فرهنگ خودی پایه، مهم استواری ملت ها را ساخته است. خاصتاً بالنده ساختن فرهنگ ملی برای کشورهای عقب مانده یی مانند افغانستان از عناصر اساسی توسعه به شمار می رود. هرچند اکنون که مقوله، جهانی شدن و یا به تعبیر درست تر جهانی کردن گفتمان غالب در عرصه، فعل و انفعالات فرهنگی تمدنی را می سازد و ساختار و مرزهای جغرافیایی فرهنگ های بومی و ملی را با ابزارهایش به شدت در نوردیده است، حمایت و پاسداری از فرهنگ های ملی نظر به زمان های پیش و حتی قرن گذشته بسیار دشوار و حتی ناممکن گردیده است ولی با این همه توسعه و بالندگی فرهنگ ملی را راز مهم بالندگی در عرصه های دیگر و ملت شدن و ملت ماندن می دانند.

بی تردید مسأله، فرهنگ خودی همیشه در کشورما نیز به سان کشورهای دیگر در کنار مقوله هایی از قبیل توسعه و مدرنیته قابل طرح است. اما باید دانست که مراد از این مقوله، فرهنگ خودی چیست؟

بی گمان با اختلاف هایی شدید که درباره، تعریف و عناصر فرهنگ وجود دارد، بر این امر اتفاق موجود است که زبان یکی از عناصر مهم و ابزار پاسداری و توسعه، آن است. و گاهی ممکن است این زبان در فرهنگی چندگانه و متعدد باشد، مانند فرهنگ اروپایی و فرهنگ اسلامی که هر کدام چندین زبان دارد، هر چند می توان میان بار فرهنگی هر یک تفاوتی قایل شد.

به همین گونه فرهنگ ملی در برخی از کشورها از جمله کشورما می تواند بیش از یک زبان داشته باشد. زبان فارسی و پشتو برپایه، قانون اساسی زبان های رسمی کشور شناخته شده اند و زبان های دیگر نیز در مناطق گویندگان آنها رسمیت قانونی دارند.

دولت باید برای توسعه، فرهنگ به عنوان یکی از پیش زمینه های توسعه در زمینه های دیگر به مسائل زبان ها در این کشور بپردازد. این توجه باید به گونه یی باشد که به جایی گام برداشتن در جهت توسعه به ضد توسعه تبدیل نشود، بی تردید پایه، بنیادین توسعه، ملی در هر کشور را وحدت ملی در آن کشور می سازد، در عین زمان که وحدت ملی پایه، توسعه را می سازد یکی از اهداف آن نیز تقویت و تحکیم این وحدت ملی باید باشد.

در کشور ما متأسفانه از دیر باز به بهانه، توجه به امر توسعه، زبان و فرهنگ به چند گانه شدن و آسیب زدن به وحدت ملی عمل شده است. ما هر قدر از عمق تاریخ مان بدین سو می آییم این توجه، تفرقه جویانه و عقب گرا به نام توجه به فرهنگ و زبان بیشتر می شود.

دولت باید از راه نهادهای ویژه، خود در زمینه، توسعه، فرهنگ و زبان برنامه ریزی کند، کاری که تا هنوز به هر دلیلی بوده انجام نشده است. اما باید زیر بنای برنامه، آن را در هر زمینه یی خاصتاً در زمینه، بسیار حساس فرهنگ و زبان وحدت ملی تشکیل بدهد، وحدتی ملی که بر پایه، برادری و برابری و عدالت بنا می یابد. البته تجربه نشان داده است که وحدت ملی نه با فشار تأمین می شود و نه با نیرنگ، حدت ملی پیش از همه بر یگانگی روحی و رعایت منافع و مصالح متقابل در یک جامعه پی ریزی می شود. اما برخی همواره می کوشند زمینه، رشد و بالنده کردن زبانی مشخص را در تضعیف و تنگ کردن عرصه برای رشد و بالندگی زبانی دیگر جستجو کنند و برای تحقق بخشیدن به این غرض به بهانه هایی گونه گون متوسل می شوند. شاید یکی از رازهای عقب ماندگی فرهنگی و ادبی ما هم در همین امر نهفته باشد.

یکی دیگر از نمادهای تنگ کردن عرصه برای زبان غیر مطلوب دیوار جغرافیایی سیاسی بر دور آن کشیدن است، برخی به بهانه قرار دادن هویت ملی زبان، بهره جستن

دولت باید برای توسعهء فرهنگ به عنوان یکی از پیش زمینه های توسعه در زمینه های دیگر به مسائل زبان ها در این کشور بپردازد. این توجه باید به گونه یی باشد که به جایی گام برداشتن در جهت توسعه به ضد توسعه تبدیل نشود، بی تردید پایهء بنیادین توسعهء ملی در هر کشور را وحدت ملی در آن کشور می سازد، در عین زمان که وحدت ملی پایهء توسعه را می سازد یکی از اهداف آن نیز تقویت و تحکیم این وحدت ملی باید باشد

از ذخایر کهن و موجودگی زبانی در فرا مرزهای سیاسی را نادرست می پندارند و بر این اساس مانع تفاهم حوزه های متعدد یک زبان و تبادل کالاهای آنها میان یکدیگر می شوند. از همین باب پشتو را به پشتوی افغانستان و پشتوی پاکستان تقسیم می کنند و فارسی را به فارسی افغانستان و فارسی ایران و فارسی تاجیکستان، و می خواهند مانع مبادلات کالاهای زبانی میان حوزه های یک زبان شوند؛ برخی از واژه ها و مصطلحات پشتو را به عنوان کالاهای پشتوی پاکستانی و به همین گونه برخی از دانشواژه ها و کلمات فارسی را به عنوان کالاهای فارسی ایرانی و تاجیکستانی محظور می دارند، در حالی که زبان یک پدیده، سیال و زنده است و آن را نمی توان در ورای مرزهای سیاسی اسیر کرد، به ویژه در این عصری که فناوری اطلاعات و مقوله های جهانی شدن حتی مرزهای ملی را در عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به شدت کم تأثیر کرده است.

یکی از رازهای بقا و بالندگی هر زبان هم گامی آن با تحولات و دگرگونی های زندگی است و زاد و میر واژه ها و اصطلاحات آن هم در همین بستر شکل می گیرد.

با مندرس شدن عادات و اطوار زندگی، واژه و دانشواژه، آنها نیز به بایگانی زبان سپرده می شود، و با به میان آمدن پدیده های تازه و ابزارهای نوین کلمات و واژه هایی تازه به میدان می آید، این روند زاد و میر در عرصه، زبان به سان پدیده های بیولوژیک تداوم می یابد. برای این منظور است که در همه کشورهایی که به فرهنگ و زبان توجه می شود، نهادهایی مهم برای پرداختن به این مهم وجود دارد که با این زاد و میرهای زبان برخورد علمی کند. یکی از کارهای مهم آکادمی ها و فرهنگستان ها درهمه کشورهای زنده پرداختن به امر زبان از این زاویه هاست.

اما متأسفانه در افغانستان به زبان های ملی و رسمی به گونه، عموم و به زبان فارسی به گونه، ویژه توجهی از این زاویه نشده است.

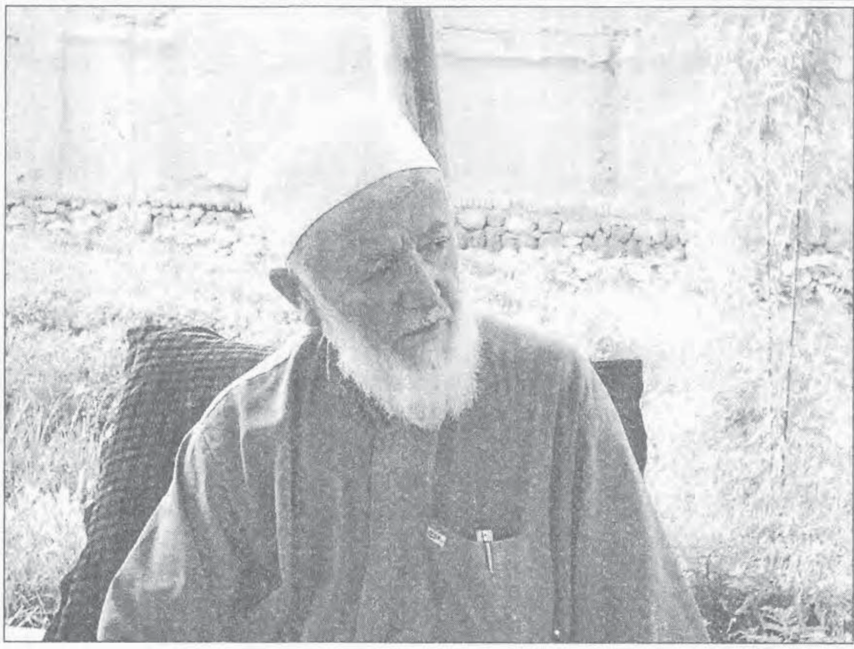
به همین دلیل است که از سر و سیمای شهر گرفته تا روزنامه ها و نشریه ها و تلویزیون های دولتی وشخصی همگی از آشفتگی زبانی رنج می برد. به همین سبب است که بسیاری از کسانی که به امر فرهنگ و زبان توجه دارند درباره، وضعیت زبان های کشور نگران هستند. آنچه را برخی از نمایندگان مانند خانم پروین مهمند نماینده، کوچیان در مجلس نمایندگان در برابر وزیر پیشنهادی (اکنون وزیر مورد اعتماد) فرهنگ و جوانان و توریسم مطرح کرد از همین نگرانی هاست. او از آشفتگی و نا همگونی اصطلاحات و واژه هایی شکایت کرد که در برخی از آگاهی ها در بعضی از رسانه های تصویری و شنیداری به کار می رود. راستی نیازی بسیار مبرم وجود دارد که دولت به ویژه نهادهای مخصوص فرهنگ مانند وزارت فرهنگ و جوانان و آکادمی علوم و دانشگاه های کشور به امر زبان توجه جدی مبذول دارند. باید مراجع و نهادهایی مسؤولیت توجه به روند نمادین زبان را در جامعه به عهده بگیرد که مردم پیش از آن که کالایی را به بازار عرضه کنند و به امری از امور آن اقدام ورزند بر مبنای هدایتنامه، آن ها عمل کنند.

اما باید دانست که این کارها برای بالندگی وتوسعه، زبان انجام یابد و دخالت این نهاد ها ابزاری برای باز دارندگی توسعه و تکامل زبان ها نگردد . این مأمول زمانی میسر می شود که امر زبان را به متخصصان و زبان پژوهان آن زبان باید سپرد و از هرگونه دخالت بی مورد درکار آنان باید پرهیزکرد . این کارشناسان و اهل زبان هستند که می دانند چه واژه هایی را باید وارد کرد وکدام ها را باید از صحنه زدود وچه واژه ها ودانشواژه هایی را برای مقولات وپدیده های نوین برچه بنیاد ی بنا نهاد.

البته این همه کارها درعرصه، زبان در افغانستان ما را هرگز از آنچه درعرصه، زبان پشتو در پاکستان انجام یافته است وآنچه درعرصه، زبان فارسی در ایران وتاجیکستان وکشورهای شبه قارهٔ هند انجام شده است، بی نیاز نمی سازد. خاصتاً آنچه در عرصه، زبان در ایران معاصر صورت پذیرفته به هیچ وجه حوزه های دیگر زبان فارسی نمی تواند از آن غفلت ورزد.

به باور صاحب این قلم درمیان کشورهای فارسی زبان وفارسی گوی تنها ایران است که به عصری کردن وزنده نگه داشتن زبان فارسی به گونه، علمی پرداخته و برای این کار مؤسساتی مهم ایجاد کرده است. این سخن هرگز به این معنی نیست که همه، تولیدات ومحصولات آنها را در جاهای دیگر چشم بسته پذیرفت و روند داد وستد فرهنگی و زبانی را برهم زد. ولی داد وستد در این زمینه زمانی میسر می شود که ما هم بتوانیم نهادهایی مشابه داشته باشیم تا به وسیله، آنها این مبادلات صورت پذیرد. این کار در عرصه، زبان پشتو نیز ممکن است انجام پذیرد. نهادهایی در کشور پاکستان وجود دارد که به امر زبان پشتو توجه می کنند.

اما بریده نگه داشتن زبان های فرهنگی و تاریخی افغانستان بر پایه، مرزهای سیاسی و جغرافیایی نوین از بستر طبیعی و تاریخی آن ها، نه علمی است و نه توسعه زا. راستی چه کسی می تواند پشتو را در افغانستان بدون توجه به پیش قراولان آن در آن سوی مرز مانند خوشحال خان و عبدالرحمن بابا و حمید بابا و... وحمزه بابا سامان دهد و به همین سان فارسی در ایران و افغانستان و تاجیکستان را از هم جدا کند؛ زیرا پرسوناژها و سازندگان آن در هیچ یک از این سرزمین ها و سرزمین هایی دیگر محصور نمی شوند. از قدیم فردوسی و حافظ برای مردم افغانستان چنان آشنا بوده اند که مولانا و سنائی برای ایرانیان و رودکی و منوچهری برای همه، ساکنان این سرزمین ها.



به یاد استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا

به قلم استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

بعد از شکست طالبان زمانی که استاد دوباره تصمیم می گیرد در دانشگاه کابل به عنوان استاد به تدریس آغاز نماید میرزا قلم ها و کور سوادانی که در وزارت تحصیلات عالی در دوران حکومت انتقالی زمام وزارت را به دست گرفته بودند با داشتن رتبهء علمی پوهاندی و سابقهء طولانی در دانشگاه به بهانه های مختلف از جمله فقدان اسناد و اوراق وزارت تحصیلات عالی مانع رفتن او به دانشگاه و تدریس می گردند، و بعد از قبول صدها بار دویدن به دروازهء مسؤولان وزارت بعد از مدت طولانی موفق می گردد تا دوباره به عنوان استاد در دانشگاه عبدالله بن مسعود در ولایت تخار به تدریس بپردازد.

در روزهای آغازین و بهاران نهضت با دهن باز کردن شگوفه های نخستین شگوفان شد و در بستر تحولات و مراحل مختلف آن تا آخرین لحظات که جهان فانی را وداع می نمود دست از تلاش و مبارزه و تدریس و دعوت بر نداشت

***

ابو ذر گونه زیست و به سان ابا ذر در تنهایی به دیار ابدیت شتافت.

رحم الله أباذر عاش وحیداً و مات وحیداً و سیحشر عندالله وحیداً

وفات استاد توانا نه تنها برای جمعیت اسلامی افغانستان و اعضا و هوادارن آن، بلکه در حلقه های علمی و فرهنگی کشور ضایعه یی است بس بزرگ و جبران ناپذیر، سالیان درازی جای این بزرگمرد علمی و فرهنگی در جمع دانشمندان کشور خالی خواهد ماند.

به حق که استاد توانا یک تن از بزرگترین شخصیت های علمی دوران معاصر کشور و بارز ترین چهرهء نهضت اسلامی و از معماران اولین و مؤسسین نخستین رستاخیز اسلامی بود. او در خانوادهء تقوی و طهارت از سلالهء اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم چشم به جهان گشود، اعضای خانواده همه علم دوست و سخت متدین و متعبد بودند لذا از همان بامدادان زندگی اش تار و پود وجودش با حب دین و دانش گره خورد.

در روزهای آغازین و بهاران نهضت با دهن باز کردن شگوفه های نخستین شگوفان شد و در بستر تحولات و مراحل مختلف آن تا آخرین لحظات که جهان فانی را وداع می نمود دست از تلاش و مبارزه و تدریس و دعوت بر نداشت.

ابو ذر گونه زیست و به سان ابا ذر در تنهایی به دیار ابدیت شتافت.

رحم الله أباذر عاش وحیداً و مات وحیداً و سیحشر عندالله وحیداً

او در زندگی برای خود چیزی نخواست و چون فرهنگیان ستمگر ستیز و دانشوران بلند همت در فقر و محرومیت به سر برد، همه سرمایه اش دیق و دانش و بضاعتش تقوی و طهارت بود.

در کمال تواضع و فروتنی همت عالی، ارادهء آهنین و تصمیم شکست ناپذیر داشت چون در کاری یک بار تصمیم می گرفت دیگر محال بود کسی او را از تصمیمش برگرداند. با خوش طبعی مزاج و بذله گویی های دلپذیر همیشه غرق در تفکر و اندیشه بود.

حوادث غم انگیز کشور و اوضاع ذلت بار و درد آور جهان اسلام وجدان آگاهش را سخت آزار می داد، لذا بیشترین اوقات سیمای تابناک و نورانیش حزین و افسرده بود.

با آن که فقیه جدلی مشرب و عقل گرا بود دلباختهء عرفان و تصوف بود و به عرفا و صوفیان وارسته محبت و اعتقاد بی دریغ داشت، طبیعت عیاری داشت و مشرب سربداران خوشش می آمد، در دوستی مستحکم و صادق و در رفاقت ویاری وفادار و صمیمی بود، به غایت ذهین و زیرک، نکته سنج و حاضر جواب، زود رس و عمیق، دوربین و ژرف اندیش بود، پیشگویی هایش راجع به اشخاص و حوادث دقیق و درست بود. در اظهار حق بیم و هراس نداشت، کم توقع و مخلص بود، حقگو، حق پسند و صریح اللهجه بود. او به میهن عزیزش افغانستان عشق می ورزید. بعد از دریافت شهادتنامهء دکترا در رشتهء فقه و اصول فقه از دانشگاه کویت پیشنهادی برایش رسید که در برابر هزاران دلار حقوق ماهیانه به عنوان استاد در دیپارتمنت فقه و اصول فقه آن دانشگاه ایفای وظیفه نماید. اما با بی اعتنایی تمام آن را رد نمود و راهی کشورش شد تا در برابر حقوق ماهیانهء چند صد افغانی در دانشگاه کابل تدریس نماید، و با سکونت در اتاق های کرایی شهر کهنهء کابل در تابستان و زمستان پوست نازک جسدش آماج تهاجم قشون خسک های بی رحم قرار گیرد و هر بامداد قبل از حرکت به محل کار قسمتی زیاد از وقت گران بهایش به پاک کردن خون های ریخته توسط خسک ها صرف می گردید، و چه بسا که به آهنگ شوخی می گفت ای خسک های بی رحم سوای من بیچاره و این توانای ناتوان کدام ظالم و ستمگری را در شهر نمی شناسید تا خونش را بریزید و خلق خدا را از ظلمش برهانید، مگر وای بر من و ننگ بر شما باد که شما هم چون ما انسان ها در برابر ستمگران فرومایگی و کرنش می نمایید، و مظلومان را اذیت و آزار می دهید.

رسالهء دکتورایش در باب اجتهاد به عنوان ریفرنس و مرجع در دانشگاه های عربی مورد استفاده قرار دارد، اما در کشورش ناشناخته باقی مانده است.

استاد از بی اعتنایی جامعه اش به دانش و دانشمند آگاه بود بارها برای اقامهء حجت بر این مدعا حادثه یی را که در مورد خودش اتفاق افتاده بود یادآور می شد، می گفت از مدت هاست که در سرزمین ما نه عالم قدر خود را می شناسد و به خود احترام می نماید و نه هم مردم و جامعهء ما به علماء ارج می گذارند، واضافه می نمود هرگز حادثه یی را فراموش نمی کنم آنجا که با یک عالم امید و آرزومندی به کشور برگشتم و در کوتهء سنگی اقامت گزیدم روزی که دریشی جدیدم را به تن کردم و روانهء دانشگاه بودم در مسیر راه در قسمت چهارراهی کوتهء سنگی شخصی به دنبالم به سرعت روان شد و از این که به رسم خانوادهء مجددیان کشور دستار سفیدی به سر بسته بودم فهمید که عالم دین هستم نزدیکم آمد و گفت با تو کار دارم. به دنبالش روان شدم مردی را که در کنار جاده که چادر چرکین به رویش پهن شده بود ملاحظه کردم گفت این مریض متعلق به خانوادهء من است مخاطبم قرار داد و گفت: ملاصاحب مریض لرم په نامه پوهیاِی یعنی هنر ناف گیری را یاد داری تا مریض را معالجه نمایی. در حالی که سخت قهرم گرفته بود نزدیک بود از این صحنهء غم انگیز اما خنده آور با قهقهه بخندم، خود را کنترل نمودم در حالی که یأس و حسرت سراسر وجودم را فراگرفته بود و جهل و عقب ماندگی و محرومیت مردم کشور قلبم را فشار می داد به مهربانی برایش گفتم هنر ناف گرفتن را یاد ندارم اما آماده ام با تو به شفاخانهء علی آباد بروم تا مریضت معاینه و علاج گردد. در جوابم گفت: حگه ملاصاحب چه په نامه نه پوهیاِی زما وخت ضایع مکوه راه خود را گرفتم و روانهء دانشگاه شدم در راه با خود می گفتم خدایا در چه وضع بدی به سر می بریم در کشوری با تاریخ و فرهنگ آریانای کهن و خراسان مهد تمدن مشرق زمین در این دوران فترت و فرهنگ زدایی و دانش ستیزی چه شیادان بی هنری وجود دارند که از علوم و معارف دینی هیچ بهره یی نداشته به نیرنگ خود را در جامهء علمای دینی جا می زنند و به جای هدایت گری مردم کار طبیبان معالج را و آن هم به شیوهء مبتذل و خرافی انجام می دهند و چه بسا از مدعیان و منسوبان به طبابت که هنر طبابت ندارند شاید در پهلوی سایر بی هنری ها حرفهء تعویذ نویسی به مریضان را وسیلهء کسب روزی و ارتزاق نموده باشند.

استاد توانا با چنین صحنه های عقب ماندگی فرهنگی و دانش ستیزی بارها در زندگی رو به رو شده است. بعد از شکست طالبان زمانی که استاد دوباره تصمیم می گیرد در دانشگاه کابل به عنوان استاد به تدریس آغاز نماید میرزا قلم ها و کور سوادانی که در وزارت تحصیلات عالی در دوران حکومت انتقالی زمام وزارت را به دست گرفته بودند با داشتن رتبهء علمی پوهاندی و سابقهء طولانی در دانشگاه به بهانه های مختلف از جمله فقدان اسناد و اوراق وزارت تحصیلات عالی مانع رفتن او به دانشگاه و تدریس می گردند، و بعد از قبول صدها بار دویدن به دروازهء مسؤولان وزارت بعد از مدت طولانی موفق می گردد تا دوباره به عنوان استاد در دانشگاه عبدالله بن مسعود در ولایت تخار به تدریس بپردازد.

داستان علم ستیزی و دانشمند آزاری تنها حکایتی نیست که در کشورما در زندگی استاد توانا رخ داده است، از باب تداعی حوادث در حریم فرهنگیان و استادان به یادم آمد که چندین بار ده ها تن از استادان دانشگاه نزدم آمدند و گفتند حدود دو دهه می گذرد در آپارتمان های محقری محل سکونت استادان زندگی می نماییم از دولت هم فرامینی به دست داریم و اقساط متعددی از قیمت این آپارتمان ها را نیز پرداخته ایم اما تهدید می شویم اگر به رضا و رغبت خانه ها را تخلیه نکنیم ما را با اهل و عیالمان به زور از خانه بیرون می کنند از بیم و برچهء محافظان ارگ دستمان به دامن رئیس جمهور نمی رسد در این باب از من طالب کمک شدند، نمی دانم بعد از اندک تلاش من سرنوشت این استادان محترم چه شد؟

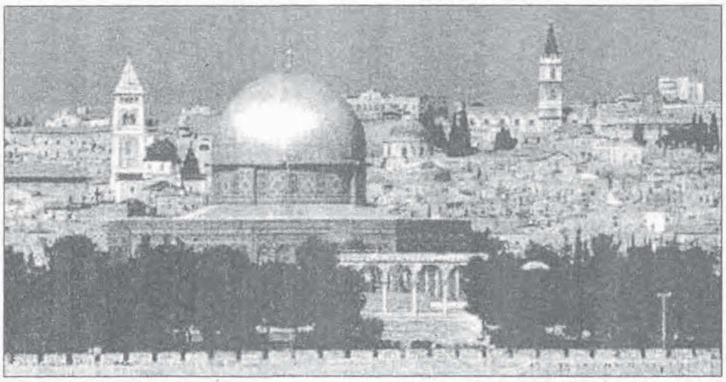
استاد توانا اگر در مصر و شرق میانه می بود کم از کم در قطار شیخ محمد ابوزهره و محمد غزالی مصری جای داشت و یا چون هم شهری ولوالجی اش ملاشاه بدخشی راه خود را به دربار اورنگ زیب معاصری باز می کرد.

اما در سرزمینش با همه تقوا و دانش در ظلمت گمنامی و نسیان به سر برد. با فقر و محرومیت دایم دست و گریبان بود. در تنهایی به دور از نیاز به طبیبان روان خسته و حزینش فضای پرفتنه و آشوب زندگی را وداع گفت و به ملکوت اعلی شتافت.

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

إنا لله و إنا إلیه راجعون

فردای سنگ ها



عبدالاحد تارشی

این شعر درزمان آغاز انتفاضه، اخیر فلسطین سروده شده و در میزان نشریه، سفارت دولت اسلامی افغانستان در دهلی به نشر رسیده بود واینک درین روزها که ماشین جنگی اسرائیل درقتل وکشتار مردم مظلوم فلسطین ولبنان بیداد می کند ، شاید نشرمکررآن بیجا نباشد.

ای مسجد اسیر
ای پیکر مطهر زیبا ترین نماز
ای قامت مقدس بالاترین قیام
ای صورت مجسم عالی ترین سجود
ای چهره، منور روشن ترین دعا
هرچند این اسارت سنگین دیرپای
زنجیر پای هستی قدسی سرشت توست
دامی زجورو وحشت ودام دگر ز یأس
پیچیده گرد پا وسر سرنوشت توست
هرچند خون داغ تداوم بود روان
درشهرگ شهادت بی انتهای تو
دیوار زخم را نتواند کند عبور
هرچند تاب وطاقت درد آشنای تو
می بینمت مگر
ازبین کوچه های شرار وسرشک ودرد
با زیر پا گذاشتن ازدحام مرگ
در جستجوی بودن بی انقطاع خویش
افتاده یی براه
نعش بخون غنوده ، صد ها نماز را
اجساد سجده را ودعا ونیاز را
کاندر حریم تو



در زیر پای لشکر دجال له شدند
بر دوش می کشی
تابوت کهکشانی وصد ها شهید را
از نسل آفتاب در آغوش می کشی
***

ای مسجد اسیر
ای مادر ستم زده، کودکان سنگ
می بینمت جنازه، اطفال خویشتن
بر کف نهاده یی
وز تنگ راه کور سیاست که هیچگه
از وسعت عبور مصمم ترین نجات
گامی نکرده وام
سوی دیار حضرت صاحب فخامه ها
در ره فتاده یی
***

می بینمت که قامت خونین ناله ات
هر لحظه بر عروج دگر پای می نهد
با آنکه خسته گشته دگر زیر بارزخم
بر قله، لجوج دگر پای می نهد
تامی رسد به کاخ بلند " جلا له ها"
تا می رسد به قصر فخیم " فخامه ها "
کاخی که با وجود غرور بلند خویش
از پستی تمامت ننگ است پست تر
قصری که گرچه رفعت صدق است ظاهرش
از ژرفنای خدعه ورنگ است پست تر
***

می بینمت که دست طلب می کنی دراز
دستی زقلب مام فلسطین شکسته تر
می ریزی التماس غم انگیز " الجهاد "
در گوش های از دل ابلیس بسته تر
***

فریاد می کشی :
یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس !

من روح کودکان شهید شماستم
من قلب مادران اسیر جفاستم
بی من زمان حال شما بی گذشته است
بی من گذشته های شما محو گشته است
گر من چو آفتاب نتابم به حال تان
آینده های تان نشود هیچگه برون
از انجماد مرگ
بر گردن تنفس تان قید بردگی
امضای مرگ وبوسه، اعدام می شود
این ذلتی که دام سر وگردن شماست
بهر شما برای ابد نام می شود !
***

گر آب تان زروی وزجو خشک گشته است
باری به نفت زخم مرا شستشو کنید
با خون خلق خویش نمودید غسل ها
باری به آب غیرت وننگی وضو کنید !
***

در آسمان همت جنگنده های تان
پرواز اگر بود
مرغ شکسته بال بخاک اوفتاده یی
یا بی طنین ترین مگس بال بسته یی
وز نیش عنکبوت خطرناک بردگی
در دام پیچ پیچ هلاک اوفتاده یی
بهر خدا به تیر خیانت میفکنید
پرواز را زبال وپر سنگ های ما
بر خاک بی بهار ترین صلح خویشتن
کانجا بلوغ سبزه جز افسانه یی نبود
بهرپرنده های رهایی به شاخ آن
جز آشیان مرگ دگر لانه یی نبود
بهر خدا به کرگس روئین تن عدو
کمتر دهید فرصت پرواز آتشین
در رودبار تشنگی اش سیل نفت را
با سد انجماد نمائید روبرو

کاینگونه می توان
بر چهره های تان
یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس
جاری نمود قطره گکی را زآبرو
***

یا صاحب الجلا له ویا سید الرئیس
این کودکان سنگ
در سنگ زاده گشته ودر سنگ زیستند
سنگ اسارتی که بجز سنگ نشکند
دیوار آهنین قساوت سرشت آن
سنگ اسارتی که نجنباندش زجای
دستان بی شهامت سازش گر شما
تا دستهای سجده گر کودکان قدس
آن را نکرده دور زفرق سرشما
***

ای مسجد اسیر
ای پرسش مداوم پیوسته بی جواب
بازست لیک بر رخ تکرار ناله ات
از حاکمان جور
از حاکمان غدر
دروازه، مکرر یک پاسخ پلید :
صلح است اختیار
صلح است انتخاب
از ما نه بل زحضرت " العم سام " ما
آن مالک الرقاب مدام المدام ما
ای کودکان سنگ
در چنگ ما کبوتر این صلح بی نظیر
آسان نیامده
بهر شکار آن
کاخ سفید را
با ، دام سجده فرش نمودیم بار ها
این گوهر گران
ارزان نیامده
ای کودکان سنگ
ای از تبار فقر
دامان سنگ پرور بی گوهر شما
این سنگ ها به هیچ نیرزند نزد ما
چون کشور شما
بر خاکش افگنید که ما وعده می دهیم
دامان تان زگوهر الفاظ پر کنیم
همچون گذشته ها
از ثروت بیانیه ها باز پر کنیم
ای کودکان سنگ
گرد گلوی مردم ما دستهای مان
روئیده پیچکی بود از ریشه، فشار
یکدم نمی توان
این دستهای مهر ازان حلق ها گرفت
سنگ ترحم از سر این خلق ها گرفت
گر دست های ما
مصروف دور کردن اشک شما شود
آنگه کدام دست بگیرد گلوی خلق
بندد در نجات ورهایی بروی خلق
***

ای مسجد اسیر
از دست های بسته، این خیل چاکران
امید بازکردن زنجیر تو خطاست
زینها که در تسلسل پایا ترین سجود
سوی کنشت غیر
پای نماز خویش به زانو نشانده اند
امید صف کشیدن در مسجد قیام
با قامت کشیده به تکبیر تو ، خطاست
***

ای مسجد اسیر
ای آشیان مرغ سجود پیمبران
ای با اسارت تو همه زندگی اسیر
خورشید وماه وانجم وتابندگی اسیر
محراب عشق وسجده گه، بندگی اسیر
امروز اگر به گردن خونین تو نهد
پای غرور خویش
سنگین ترین جنایت وننگین ترین فریب
برقبر کشتگان تو گر کشت می کند
ابلیس باغ خنده، بی انتهای خویش
فردا به انتها رسد این خنده های شوم
فردا به مرگ" دولت کشتار" سردهند
" کشتاریان عصر" فغان بلند خویش
بینند زیر پای ملل بردگان خود
بینند پاره پاره زصد جا کمند خویش
***

فردای سنگ ها ونه فردای ننگ ها
فردای پاره گشتن زنجیر های توست
فردای صف کشیدن مردان رزم جو
بهر نجات تو
در سنگر قیام به تکبیر های توست

جنگ لبنان و پیامدهای آن برای جهان و افغانستان

وحید مژده

دست غیب آمد و بر سینهء نامحرم زد!
حافظ

تجاوز اسرائیل بر لبنان نزدیک است هفتهء چهارم را پشت سر نهد ولی دشمن صهیونیست همچنان سر به حصار آهنین مقاومت اسلامی در لبنان می کوبد و جز شکست دست آوردی ندارد.

در جنگ اعراب و اسرائیل در اکتوبر سال۱۹۶۷ نیروهای نظامی چندین کشور عربی کمتر از شش روز در برابر ماشین جنگی اسرائیل مقاومت کردند و سپس با شکست مواجه گردیدند و بخش بزرگی از سرزمین های آنان به اشغال اسرائیل درآمد ولی امروز با گذشت زمانی بیش از چهار برابر جنگ سال ۱۹۶۷، اسرائیل نتوانسته است در برابر مقاومت در لبنان به پیروزی دست یابد. در این جنگ، ارتش لبنان یا هیچ کشور دیگر دخالتی ندارد.

شرق میانهء جدید

در آغاز تجاوز اسرائیل به لبنان، کمتر کسی به مقاومتی چنین استوار از جانب مردم لبنان باور داشت. اسرائیلی ها نیز گمان داشتند که این عملیات شاید چند ساعت بیشتر به طول نینجامد. آنها جنوب لبنان را اشغال خواهند کرد، رهبران حزب الله دستگیر خواهند شد و بعد مانند هر شکست دیگر در برابر اسرائیل، که برای اعراب زیاد غیرعادی هم نیست، مذاکرات صلح آغاز خواهد گردید. بخشی از جنوب لبنان باری دیگر به عنوان منطقهء حایل شناخته خواهد شد و این بار نه در اختیار سربازان کلاه آبی سازمان ملل متحد بلکه تحت کنترل کشور های حامی اسرائیل قرار خواهد گرفت. همه چیز برای ایجاد یک شرق میانهء جدید که خواب آن از مدت ها قبل در تل ابیب دیده شده بود، آماده بود.

اسرائیل و حامیانش از مدت ها قبل برای ساختن چنین شرق میانه یی زمینه سازی کرده بودند. آنها یاسرعرفات را کشتند؛ با ترور رفیق الحریری که اکنون نباید در دست داشتن اسرائیل در آن شکی وجود داشته باشد، بهانه برای فشار بر سوریه فراهم آمد تا نیروهای خود را از درهء بقاع در لبنان خارج کند. آن ها می خواستند تا در جنگ علیه لبنان که از قبل برنامه ریزی شده بود، بهانه یی برای دخالت سوریه باقی نماند.

اما یک گروه کوچک اما مصمم برای دفاع، این خواب های خوش تل ابیب و را آشفته کرد. اسرائیل که در ظاهر برای نجات دو سرباز ربوده شدهء خود دست به حمله و تجاوز زد، با تلفات بی سابقه مواجه شد.

تاکتیک های مقاومت

تاکتیک های مقاومت مدافعان لبنان بسیار جالب و حساب شده است. آنها اجازه می دهند تا نیروهای اسرائیلی به مناطق تحت کنترل آنها داخل شوند و بعد حملات برق آسا آغاز می شود. اسرائیلی ها عقب نشینی می کنند و انتظار دارند تا توسط جنگجویان طرف مقابل تعقیب شوند اما چریک های حزب الله که در جنگ با اسرائیلی ها سال ها تجربه دارند، علاقه یی به این تعقیب نشان نمی دهند. آنها به مواضع خود که ده ها متر در زیر زمین قرار دارد و هیچ سلاح غیر اتمی قادر به نفوذ در آن عمق نیست، بر می گردند. بعد نوبت بمباران ها و شلیک توپخانه و موشک از جانب اسرائیل فرا می رسد. چریک ها مترصد فرصتند تا به حملهء متقابل به خاک اسرائیل بپردازند. موشک های زمین به زمین کاتیوشا که به ابتکار ایرانی ها اکنون مسافت های بیشتری را می پیماید و زلزال نامگذاری شده است، به پرواز در می آید. در آغاز جنگ اسرائیلی ها سعی کردند تا به وسیلهء موشک های ضد موشک از نوع پاتریات این موشک ها را در هوا از بین ببرند که بی نتیجه بود. این موشک ها هدف گیری دقیق ندارند و حملات هوایی تقریبا مستمر اسرائیل، هدف گیری با دقت لازم را با استفاده از سکو های پرتاب بیش از پیش مشکل می سازد اما این که تا کنون تعدادی از این موشک ها به صورت موثر روی اهداف نظامی به کار گرفته شده اند، نشان از سرعت عمل چریک ها و خبره بودن آنها و آمادگی رزمی آنان دارد.

حملهء یک طیارهء بدون سرنشین حزب الله به یک کشتی اسرائیلی در آغاز جنگ، هوشداری به اسرائیل بود که با دشمنی متفاوت از گذشته مقابل است.

حزب الله و مردم

در جنگ های قبلی میان حزب الله و اسرائیل، حزب الله نیروهای ذخیرهء خود را در همان آغاز جنگ به کمک فرا می خوانند اما این بار افراد غیرنظامی تا هنوز برای جنگ احضار نشده اند. این اسرائیل است که با مواجه شدن به مقاومت غیر منتظره، به احضار نیروهای احتیاط اقدام کرد.

حزب الله هرچند در فهرست سیاه ایالات متحدهء امریکا قرار دارد و مانند بسیاری از گروه های ضد صهیونیستی به عنوان یک گروه تروریست شناخته شده است اما این گروه در داخل لبنان با ایجاد شبکهء بزرگی از خدمات اجتماعی، حمایت وسیع مردمی را به خود جلب کرده است. سرمایه گذاری های بزرگ حزب الله در رونق اقتصاد لبنان و ایجاد اشتغال تأثیر بسیار مثبت داشته است.

ایران و حزب الله

حزب الله به عنوان یک گروه شیعی، از حمایت ایران برخوردار است. مخالفان حزب الله تا قبل از این جنگ مدعی بودند که حزب الله با سرمایه یی که ایران در اختیارش نهاده است تا حدی به شکل یک شریک اقتصادی ایران در لبنان عمل می کند و امریکا و اسرائیل به دلیل نزدیکی حزب الله با ایران، ایران را از کشور های حامی تروریسم قلمداد می کنند. در عین حال سوریه نیز از حامیان حزب الله است و حزب الله نیز از حضور سوریه در لبنان حمایت می کرد.

حزب الله و حماس

گروه حزب الله با حماس در فلسطین رابطهء نزدیک دارد. هدف از به گروگان گرفتن سربازان اسرائیلی به وسیلهء حزب الله حمایت از اقدام مشابه به وسیلهء حماس بود تا هزاران فلسطینی را که سال هاست در زندان های اسرائیلی بسر می برند، آزاد سازند.

اسرائیل حماس و حزب الله را دو دشمن اصلی خود می شمارد. تلاش اسرائیل برای نابودی حماس از طریق ترور رهبران آن چون شیخ احمدیاسین و عبدالعزیر الرنتیسی نتوانست مانع گسترش نفوذ این سازمان در میان فلسطینی ها گردد و این گروه در انتخابات فلسطین از رأی اکثریت مردم برخوردار گردید. خالد مشعل یکی دیگر از رهبران حماس که در سوریه است، رابط میان حزب الله و حماس به شمار می آید.

پیامد های حمله به لبنان

مشهور است که ارتش های کشورهای عرب یا به درد کودتا می خورند یا سرکوب مردم. گروه های مسلح چریکی مانند احزاب اسلامی تندرو، ناشی از سرخوردگی مردم این کشورها از وضع موجود در کشور های خودشان و سیاست های غیر عادلانه در سطح جهانی است.

شاید این درس مهم را تاریخ اسرائیل در خود ثبت نماید که بزرگترین اشتباه اسرائیل از زمان تأسیس آن، حملهء سال ۲۰۰۶ به لبنان بوده است.

اسرائیل در این حمله نه تنها از قدرت کوبندهء یک ماشین نظامی مدرن برخوردار بود بلکه از نظر سیاسی نیز حمایت پنهان بسیاری از دولت های عربی را از این حمله به دست آورده بود. فتوائی که در عربستان سعودی در آغاز جنگ علیه حزب الله داده شد، بسیار قابل دقت و توجه بود.

تلاش بسیار در این جهت متمرکز بود که حملهء اسرائیل به لبنان به عنوان بخشی از جنگ علیه تروریسم تلقی گردد. اما این که مدرن ترین ماشین جنگی منطقه و حتی یکی از مدرن ترین ارتش های جهان در برابر یک گروه چریکی زمینگیر می شود، می تواند قوت قلبی به بسیاری از گروه های جنگجو از جمله گروه های تروریستی باشد.

تجربهء این جنگ یک بار دیگر نشان داد که حل منازعات از راه توسل به قوه می تواند راه حل کوتاه مدت باشد اما پیامد های دراز مدت آن همیشه به نفع زورمندان نیست.

حمله به لبنان به جای این که به شکست یا حتی ضعف گروهی که از جانب غرب تروریست تلقی می شد بینجامد، برعکس به نیرومند ترشدن آن انجامید. در داخل لبنان گروه های مخالف حزب الله نیز اکنون این قدرت را باور می کنند و حتی غیر مسلمانان نیز از آن ابراز حمایت کرده اند.

در این جنگ بمب های اسرائیل، مسیحی و دروز را نیز هدف قرار داد و لبنانی را که متعلق به همهء آنان بود ویران کرد. اکنون لبنانی ها اسرائیل را تنها دشمن مسلمانان نمی دانند واین برای وجههء اسرائیل در جهان مسیحی نیز زیانبار خواهد بود.

این جنگ و تجارب حاصله از آن برای آن دسته از رهبران جهان عرب نیز میمون و مبارک نخواهد بود که با غرب رابطهء نزدیک دارند و این برای منافع غرب در این منطقهء حساس از جهان زیان آور است به خصوص که در این جنگ وحشیگری های اسرائیل نه تنها با اغماض بلکه با حمایت برخی از کشورهای غربی مواجه شد.

تأثیرات این جنگ در افغانستان

گذشته از تأثیرات تشویق کنندهء این جنگ و تجارب حاصله از آن برای خشونت گرایان، مشکل دیگری که بعد از پایان جنگ به آن مواجه خواهیم شد، توجه کشور های غربی به بازسازی در لبنان است. لبنان کشوری است که در آن کار بازسازی را خشونت های داخلی مختل نخواهد کرد و این مسأله می تواند مشوق خوبی برای کمک و سرمایه گذاری در لبنان باشد.

لبنان کشوری است که در آن پیروان ادیان مسیحی و اسلام یکجا زندگی می کنند. رابطهء تاریخی این کشور با اروپا، خود ممیزهء دیگری است که می تواند به جلب کمک به این کشور ممد واقع شود. این در حالی است که در افغانستان افزایش نا امنی ها، بعد از این رویداد توجه جهانی به کمک اقتصادی به کشوری که در آن مکتب را می سوزانند و دکتوران و معلمان را می کشند شاید تأثیر منفی داشته باشد.



اسرائیلیان موشک شلیک شدهء حزب الله را می بینند

حمله به لبنان به جای این که به شکست یا حتی ضعف گروهی که از جانب غرب تروریست تلقی می شد بینجامد، برعکس به نیرومند ترشدن آن انجامید. در داخل لبنان گروه های مخالف حزب الله نیز اکنون این قدرت را باور می کنند و حتی غیر مسلمانان نیز از آن ابراز حمایت کرده اند

گذشته از تأثیرات تشویق کنندهء این جنگ و تجارب حاصله از آن برای خشونت گرایان، مشکل دیگری که بعد از پایان جنگ به آن مواجه خواهیم شد، توجه کشور های غربی به بازسازی در لبنان است. لبنان کشوری است که در آن کار بازسازی را خشونت های داخلی مختل نخواهد کرد و این مسأله می تواند مشوق خوبی برای کمک و سرمایه گذاری در لبنان باشد

دموکراسی از بـــالا

تکساری

در نظـام دموکراسـی نفـوذ آرام مـردم بـدون خشـونت در ادارهٔ کشـور محسـوس مـی باشـد. هـر قـدر در قاعـدهٔ حکومـت نظـرات مـردم دخیـل گـردد، بـه هـر انـدازه یی که کارها در یـک نظـم و قاعـدهٔ قـانونی قرار گیرد، سیر دموکراسـی هموارتر خواهـد بود. راه رسیدن بـه دموکراسـی دشـوار اسـت و با موانع متعـددی مواجـه مـی باشـد. یکـی از تصـورات نادرسـت در بـین مـردم وجـود دارد کـه دموکراسـی را بـا حکومـت اکثریـت برابـر مـی خواننـد، اگـر دموکراسـی را بـه مفهوم دقیق کلمـه حکومـت مـردم بگـوییم، نـاگزیر حکومـت همـه، مـردم را احتـوا مـی نماید.

اگـر حکومـت اکثریـت را دموکراسـی بخـوانیم وجـود اقلیـت هـای قـومی و مـذهبی مشـکل بزرگـی را ایجـاد خواهـد کـرد و دیکتـاتوری اکثریـت بـر اقلیـت تحمیـل خواهـد شـد. وقتـی در تصـمیم گیـری هـای بـزرگ اتنـی هـای کـلان و طرفـداران مـذاهب بـزرگ در یـک حـوزهٔ دینـی نقـش اساسـی داشـته باشـند خـود دیکتـاتوری بـر اقلیـت هـای یـک جامعـه است، زیـرا ایـن اقلیـت هـا در ایـن تصـمیم گیـری هـا نقشـی مهـم ندارنـد، وقتـی ایـن مشکل در یـک جامعـه حـل مـی گـردد کـه جامعه، شهروند بـه وجـود بیایـد همـان قـدر که یک انسـان بـه مفـاد خـود مـی اندیشـد، به مفاد دیگران نیـز فکـر مـی کنـد. شیوه، اکثریـت وقتـی مفیـد و قابـل قبـول خواهـد بـود کـه اگـر راه هـا وروش هـا در حـل اختلافات ناکام گـردد و ایـن راه حـل فـوری و ابتـدایی حـل اختلافـات اسـت، نـه راه دموکراسی.

این شـیوه کـه اقـوام و مـذاهب بـزرگ تصـمیم بگیرنـد، اصـل دموکراسـی نیسـت. اصـل دموکراسـی انتخابـات آزاد و منصـفانه در یـک جامعـه، شـهروند اسـت کـه خـارج ازین حوزه ها به ممارسـه گرفتـه مـی شـود. دموکراسی غربی جـذر و مـد هـای فراوانـی را پشت سـر گذاشـت، تـا ثبـات خـود را بـه وجـود آورد. در برخـی از کشـورهایی کـه اخیـراً بـه دموکراسـی دسـت یافتـه انـد، شـرایط مطلـوبی بـرای حفـظ آن وجـود نـدارد. ایـن کشـورها همـواره دسـتخوش تغییـر مـی گـردد و یـا دموکراسـی در آنجـا مسخ می شـود. چنـد دسـته گـی سیاسـی و اجتماعی گـاهی عمیـق تـر از آن اسـت کـه بتـوان در درون یـک نظـام آزاد سیاسـی سازگاری ایجاد کـرد. گـاهی در ایـن جوامـع اقتصاد به قدری ضـعیف اسـت کـه قـادر بـه بـر آوردن خواسـته هـای مشـروع مـردم نیست. و یـا گـاهی ارتـش آن قـدر نیرومنـد است که به نقش سیاسـی مـردم کمتـر بهـا داده مـی شـود طـوری کـه ایـن موضـوع در نظـام حـاکم پاکسـتان وجـود دارد و ارتـش ایـن کشـور هـر وقـت تشـخیص دهـد کـه نظـام تفنـگ در حـال فروپاشـی اسـت بـه تفویض مهره ها در داخـل نظـام اقـدام مـی ورزد، باید اشـتباه نشـود کـه گویـا مـردم در مقابله بـا شـرایط نـامطلوب نـاتوان هسـتند. وقتی خواسـته هـای مـردم، منطـق و تفکـر مردم مورد رگبـار تفنـگ قـرار بگیـرد دیگـر نام بردن از دموکراسـی یـک ترفنـد سیاسـی در برابر حاکمیت بی رویه است.

بار بار دیده شـده اسـت مـردم در جـای جـای کشـور در برابـر زورگـویی شـماری از قدرتمنـدان از دولـت خواسـتار انصـاف و عـدالت شـده انـد ولـی دولـت بـه جـایی آن کـه آنـان را بـه داد برسـاند، آنـان را بـرهم زننـدگان نظـم عامـه و آشـوبگر خوانـده است.

اگر چنـین آشـوبگران هـر روز در هـر گوشه وبیشه، مملکـت از دولـت تقاضـای عـدالت نماینـد و دولـت آنهـا را آشـوبگر بخواند، دیگر در ایـن زمـین خـدا آبرویـی بـرای دموکراسـی وجـود نخواهـد داشـت. اما در برابر این همه بـی عـدالتی هـا کـه بـر ارزش هـای اسـلامی و انسـانی پشـت پـازده مـی شـود بایـد مرکـز فشـار وجـود داشـته باشـد. نظیـر جامعـه، شـهروند، جامعـه، مـدنی، نظـام دموکراسـی و ... همـین گونـه موجودیـت یـک پارلمـان قـانون گـذار نهادهـای حقـوقی و قانونگـذاری از اولویـت هـای ایـن جامعـه در جذب یک دادگاه منصـف و بـی طـرف می باشد که همهٔ ایـن هـا در افغانسـتان یا وجود ندارد و یـا کـم رنـگ مـی باشـد. موضـعگیری احـزاب سیاسـی در شـکل دهی و آگاهی سیاسی مـردم نقشـی مهـم دارد، طوری که ایـن احـزاب بایـد توانـایی تربیـت اعضـای خـود را داشـته باشـد. در ضـمن نهادهـای جامعـه، مـدنی یعنـی رسـانه هـا، شـاغل آزاد اتحادیـه هـا، و در مجموع سازمان هـای غیـر دولتـی بسـیج گردنـد. حفـظ و اسـتحکام دموکراسـی بـه توانـایی رهبـران، اقـوام، احـزاب سیاسـی تنظـیم هـای جهـادی و رهبـران مـذهبی پیونـد دارد. در یـک هـرم دموکراسـی برگـزاری انتخابـات مـدنی و سیاسـی و وجـود جامعـهٔ دموکراتیـک یـا مـدنی کـه ایـن هـا هـرم دموکراسـی را مـی سـازند. در نظام هـای دموکراتیـک دولـت هـم در برابـر ارگانهـای حقـوق مثـل پارلمـان پاسخگو است طوری کـه آیـا محـاکم و مسؤولین عـدلی و قضـایی و سـایر ارگـان ها خـود را مکلـف بـه تـأمین حقـوق مـی دانند یا خیـر؟ و همچنـان پاسـخ در برابـر مردم است که دولت بایـد در برابـر افکـار عامه پاسخ گوید.

آیا در کشـور پارلمـان بـی طـرف وجـود دارد؟ آیا ایـن پارلمـان قـادر است در حـوزهٔ قانونگـذاری بـدون مداخلـه، دولـت قـانون گـذاری کنـد؟ و همچنـان دولـت در برابـر افکـار عمـومی پاسـخ منطقـی دارد یـا ایـن کـه در برابـر خواسـته هـای مـردم آنهـا را آشـوبگر، مخـل نظـم، چـه هـا و چـه هـا خطاب کنـد؟ ایـن دیگـر دموکراسـی نیسـت دموکراسـی وقتـی اسـت کـه بخشـی از صـلاحیت هـای حکومـت بـه مـردم انتقـال یابـد و قـدرت دولـت محـدود گـردد، موجودیت نهادهـای جامعـه، مـدنی و مؤلفـه هـای دموکراسـی فقـط محـدود کـردن صـلاحیت هـای بـی حـد و حصـر دولـت است کـه بـالای مـردم اعمـال مـی نمایـد، هـر وقتـی دولـت و حکومـت بخواهـد از چهـارچوب دموکراسـی و قـانون سـالاری پـا فراتـر گـذارد. ایـن مؤلفـه و موجودیـت نظام دموکراسی جلو ایـن خـود سـری هـا را می گیرد و جامعه اعتمـاد بـه نفـس خـود را پیدا مـی کنـد و آن مقاومـت مـردم در برابـر خود کامگی هاست.

ترخـو بـه د افغـانانو وینـی تـوییږی؟

راوی

د زمـري پـه نهمـه د نـاتو د تـرون ځواکونـو د افغانسـتان پـه سـهیل ختیځـو سیمو کـې د امنیـت د ټینګولـو چـاري پـر غـاړه واخیسـتې دا سیمې پـه دې وروسـتیو کـې د یـو لـړ سـختو نـا کراریـو سـره مخـامخ دي. کـه څـه هـم د طالبـانو لـه پرځیدونـه وروسـته پـه دغـو سـیمو کـې کلـه کلـه د تـاوتریخوالي خبري را رسیده خـو د سـږ کـال لـه سـره پـه دراماتیکـه توګـه د طالبانو په عملیاتو کې زیاتوالي راغلی دی.

د هغـو احصـائیو لـه مخـې چـې د ۱۳۸۵ کـال لـه سـر څخـه تـر اوسـه پـورې د دولـت د رسـمي سـرچینو لخـوا خپـرې شـوي پـوازې د سـږ کـال پـه څلورنیمـو میاشـتو کـې څـه د پاڅـه اتـه سـوه طالـب جنګیـالي د دولتـي ځواکونـو او د ائتلافـي قـواوو پـه عملیـاتو کـې وژل شـوي دي. پـه داسـې حـال کـې چـې ولسمشـر کـرزي دوه کالـه دمخـه ادعـا کولـه چـې لـه پنځـوسـو څخـه تـر سـل کسـه طالـب مشـران لـه دولـت سـره مخـالف دي؛ خـو اوس د دولـت د احصـائیې لـه مخـې اتـه سـوه پـوازې پـه څـو میاشـتو کـې وژل شـوي دي؛ خـو تـاوتریخوالي او نـا کـراري ددې پرځـای چـې کـم شـي، ورځ پـه ورځ زور اخلي.

د یـو غیـر رسـمي احصـائیې لـه مخـې د ۱۳۸۴ د جـدي لـه میاشـتې څخـه تـر اوسـه د بهرنـي ځواکونـو لخـوا پـه افغانسـتان کـې د عـراق پـه پرتلـه دوه برابـره هـوایي عملیـات ترسـره شـوي دي او ډیـره مـرګ ژوبلـه د همـدې هـوائي بریـدونو پـه پایلـه کـې طالبـانو تـه رسیدلې ده؛ خـو عینـي شـاهدان له دې پیښو څخه بل روایت لري.

هغـوی وائـي چـې طالبـان لـه غلچکـي بریدونونـه وروسـته لـه سـیمې څخـه تیښـته کـوي او د انګلیسـي ځواکونـو د هـوائي بریـدونو پـه نتیجـه کـې ځـائي عـام خلکوتـه ډیـر د سـر او مـال زیـان رسـیږي. دا خبـره څکـه حقیقـت تـه نـږدې ښـکاري چـې کـه دومـره پـه غټـه پیمانـه مـرګ ژوبلـه طالبـانو تـه رسیدلې وي؛ نـو بایـد د دوی پـه عملیـاتو کـې کمـوالي راغلـې واي. او کـه د دولـت خبـره رښتیـا وي او دومـره زیـات طالـب جنګیـالي وژل شـوي دي او دوی اوس هـم ځـواکمن بریښـي؛ نـو بایـد طالبـانو پـه زرګونـو جنګیالي ولري.

بلخـوا دولـت د ملـي پولیسـو او ملـي اردو د سـرتیرو د تلفـاتو پـه بـاب ډیـرې کمـې خبـرې کـوي خـو د طالبـانو پـه وینـا هغـوی د سـږ کـال لـه سـر څخـه تر اوسه پورې په سلګونو د ملي اردو او پولیس سرتیري وژلي دي.

کـه دې تـاورین تـه پـه دقـت ځیـر شـو: نـو دې پـایلې تـه رسـیږو چـې پـه دواړو خـواوو کـې د افغـانـانو وینـې توئیـږي. پـه داوړو غـاړو کـې د افغـان پـلار، مـور، خوینـدې، ورونـه او نـور د کـورنې غـړي دي چـې د خپـل عزیزانو د مرګ پر ویر کیني.

تـر هغـه ځایـه پـورې چـې مسـئله پـه بهرنـي ځواکونـو پـورې اړه لـري د هغـوی موجودیـت د اوږدې مـودې لپـاره پـه خپلـه د سـتونزو او نـاکراریو پـه زیـاتوالي کـې اغیـزې لـري. افغـان دولـت ضـعیف او بـې واکـه کیـږي او زمونـږ ګاونډیـان زمونـږ لـه پولـو څخـه د ګـوابښ احسـاس کـوي لـه همـدې کبله د ټولونه مخ کې دولتي ځواکونه باید تقویت

دا ټولې ستونزې هلـه لـه منځـه تـلای شـي. چـې افغانـان سـره یـو مـوټي شي.

در شــرق میــانــه چــه مــی گــذرد؟

پوهندوی عبدالعلی کوهی

قـرن بیسـتم دو جنـگ جهـانی را پشـت سـر گذاشـت در خـتم جنـگ جهـانی دوم (۱۹۴۵) کشورهای جدید به وجـود آمـد اسـتقلال کشـور هـای زیادی شکل گرفـت. برخـی از امپراتـوری هـا از میـان رفـت و جنـگ سـرد آغـاز یافـت. یکـی از دسـت آوردهـای ایـن جنـگ اخیـر بـه وجـود آمـدن سـازمان ملـل متحـد اسـت کـه در تـداوم فعالیـت هـای ایـن سـازمان کمیسـیون مختلفـی از جملـه حقـوق بشـر جهـانی تأسـیس گردیـد و شـیوه، دموکراسـی غربـی در نظام اداری و سیاسی کشورها تأثیر گذاشت.

یکـی از فاجعـه، انسـانی بعـد از خـتم جنـگ جهـانی دوم ایجـاد حکومـت اسـرائیل در قلـب فلسـطین اسـت کـه آن در سـال ۱۹۴۷ در اثـر فشـار ایالات متحـده، امریکـا از سـوی سـازمان ملـل متحـد بـه رسـمیت شـناخته شـد و شـوروی وقـت نیـز ایـن حکومـت صهیونیسـتی را بـه رسـمیت شـناخت. حتـا گفته شده است کـه شـوروی وقـت و امریکـا فقـط بـر سـر قضـیه، بـه رسـمیت شـناختن اسـرائیل در سـطح جهانی موافقـت داشـته اسـت و بـس. ایجـاد حکومـت اسـرائیل منجـر بـه مهـاجرت میلیونهـا فلسـطینی از سـرزمین اصـلی خـویش گردیـد و ایـن زخـم خـونین تا هنوز که هنوز است بـه مثابـه، یـک غـده، سـرطانی شـرق میانـه کشـورهای اسـلامی و بشـریت را آزار مـی دهـد. از اشـغال اسـرائیل بـر سـرزمین فلسـطینی ها بیش از پنجـاه سـال سـپری مـی شـود کـه در ایـن مدت جهان خونین تـرین جنـگ هـا را میـان امریکـا و متحـدان آن بـا کشـورهای خـط مقـدم جبهـه بـا اسرائیل تجربـه کـرده اسـت کـه در ایـن مجـال نمـی گنجد.

ظـرف ایـن مـدت قتـل هـای دسـته جمعـی، اسـتعمال بمـب هـای خوشـه یـی، کیمیـایی و غیـر مجـاز از سـوی ایـن کشـور بـالای مـردم فلسـطین، لبنان و سوریه عملـی گردیـده اسـت کـه مـی تـوان از جنـگ هـای ۱۹۶۷م، ۱۹۸۲م، ۱۹۹۶ بمباردمـان اسـرائیل بـر اردوگـاه جنـین در سـال ۲۰۰۲م و... نـام برد که هنوز در خاطره ها تـأثیر ایـن جنـگ هـا وجـود دارد.

قضـیه، فلسـطین آن قـدر تراژیـدی خلـق کـرده اسـت کـه مـی تـوان آن را در زمـره، جنـگ هـای صـلیبی تتـار و از دسـت رفـتن انـدلس ردیـف کـرد. جنـگ ۴ هفتـه یـی کـه بـه مثابـه، یـک جنـگ غیـر رسـمی از سـوی اسـرائیل بـالای لبنـان آغـاز گردیـده اسـت زخـم خونچکـان شـرق میانـه را خـونین تـر سـاخته اسـت. عمـق فاجعـه دردنـاک اسـت، حتـا اسرائیل بر پناهنـدگانی کـه در شـمال لبنـان جـایگزین شده بودنـد، رحـم نکـرد و تعـدادی از زنـان و کودکـان را آمـاج راکـت هـای خـویش قـرار داد. فاجعـه، لبنـان جامعه جهـانی را در دفـاع سیاسـی و اخلاقـی در برابـر اسـرائیل قـرار داد، بـه گونـه یـی کـه در کشـورهای بـزرگ چـون: امریکـا، انگلـیس و فرانسـه و... مـردم دسـت بـه تظـاهرات زدنـد و اسـرائیل را محکـوم بـه نقض حقـوق بشـر نمودنـد. و کمیسـیون اروپـایی ایـن جنـگ را جنایـت خوانـد مراکـز و زیـر بنـای اقتصـادی لبنان ضـربات شـدیدی برداشـت کـه احیـا و بازسـازی آن بـه میلیاردهـا دلار نیـاز دارد. تـا هنـوز جلسـات شـورای امنیـت، ملـل متحـد و کشـورهای اسـلامی هیچ کدام نتوانسته اسـت یـک آتـش بـس بـدون قیـد و شـرط را بـالای اسـرائیل بقبولانـد. در برابـر ایـن جنایـت سـکوت نامـدار شـورای امنیـت ملـل متحـد کشـورهای اسـلامی و نهضـت هـای ضـد جنـگ را چگونه باید توجیه کرد؟

جهان فقط از منـافع اسـرائیل دفـاع مـی کنـد، امـا در برابـر آزادی و اسـتقلال فلسـطین دیگـر حرفـی درمیان نیست. در چنـین اوضـاع و احـوال حفـظ صـلح بـین المللـی و بحـث توسـعه، حقـوق بشـر غیـر قابـل درک اسـت. کشـورهای کمتـر رشـد یافتـه و کشـورهای اسـلامی و جهـان سـوم در معـرض بـی امنـی قـرار گرفتـه انـد. اسـتفاده، امریکـا از حـق ویتـو تمام قطع نامـه هـای شـورای امنیـت و ملـل متحـد را زیـر سـؤال بـرده اسـت. امـروز بزرگتـرین فاجعـه، محیط زیست بـا فـرا ریخـتن ۳۵۰۰۰ هـزار تـن نفـت در بحیـره، شـرقی مدیترانـه فاجعـه، بـزرگ انسـانی را بـه بـار آورده اسـت و بـیش از ۱۰۰کیلـو متـر محـیط زیست را آلوده سـاخته اسـت کـه پـاک کـردن آن نیـاز به بیش از پنجـاه میلیـون دلار را ایجـاب مـی کنـد. در چنـین اوضـاع و احـوال کشـورهای عربـی و اسـلامی در بی تفـاوتی آشـکار بـه سـر مـی برنـد و فاقـد یـک برنامـه، عملـی در برابـر اسـرائیلند. در حـالی کـه اسـرائیل بـه کمـک امریکـا و انگلسـتان طـرح خـاور میانـه، بـزرگ را در سـر مـی پروراننـد و در ایـن تلاشـند تـا چنـان نظـام سیاسـی را در عـراق، سـوریه، فلسطین و لبنـان بـه وجـود بیاورنـد کـه حکومـت هـای شان متمایل به امریکا بوده باشند.

بـدون شـک اسـلام دارای هویـت و ارزش هـا جهـانی اسـت. ظلـم و اسـتبداد را در هـیچ یـک از مناطق اسلامی نمی پـذیرد، بایـد در برابـر چنـین زور گـویی هـا اسـلحه، مشـابه برداشـت. نمـی شـود در برابر راکـت، طیـاره و تانـک دشـمن موعظـه خوانـد و آنها را بـه مـذاکره فـرا خوانـد. قـدرت هـای نیرومنـد هـیچ گـاه حاضـر نیسـتند بـا نیروهـای کوچـک از در مـذاکره پـیش آینـد. امـروز در حـدود یـک میلیـون مسلمان لبنانی در شـمال لبنـان در حالـت بلاتکلیفـی سر گردان می باشند. ادامه در ص۷

قرآن؛ قدس و استکبار بنی اسرائیل





ناصر احمدی

خداوند به خلق و خوی انسان ها آگاه ترین است، اوست که یهودیان را به بدترین شکل ممکن معرفی می کند، در سوره های گوناگون از کج رفتاری های آنان با پیامبران مبعوث شده در بین خود شان خبر می دهد و در جوامع اهل کتاب، ایرادهای بنی اسرائیلی مشهور خاص و عام است، در سورهٔ بقره توضیحاتی دربارهٔ لج بازی های آنان با حضرت موسی علیهالسلام که بزرگترین پیامبر بنی اسرائیل است داده شده است. و هم اینان هستند که خواهان عمر طولانی هستند و از ملاقات خداوندی در هراسند، اکنون قومی با چنین خصوصیات نژادی بر پیکرهٔ جهان اسلامی چنگ بیداد افگنده و پنجه های مرگبارش در تن فرزندان مسلمان فرو می رود و ارواح طیبهٔ پیامبران و صدیقین و شهدا و ائمه و علمای دین را در اندوه فرو می برد

فلسطین همان سرزمین مقدسی است که مسجد الأقصی را چون گوهری گران مایه در میان گرفته است. این سرزمین مقدس اکنون با حرکتی نوین رویا روی اشغالگران صهیونیست ایستاده است. و همه روزه شاهد تکرار جنایات اشغالگران در این سرزمین مقدس می باشیم. این در حالی است که وجدان های بیدار انسانیت دردمند، دردی دیگر بر پیکر خویش احساس می کند. اینک این مردمان فلسطین هستند که ما را برای یاری به سوی خویش می خوانند و ما باید یاری گران این قسمت از پیکرهٔ وطن اسلامی مان باشیم.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرماید: **(من سمع رجلاً یقول یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم)** هرگاه کسی صدا بزند ای مسلمین! به فریادم برسید و شما او را اجابت نکنید مسلمان نیستید". آنچه از این حدیث مورد توجه بیشتری باید قرار بگیرد این است که می فرماید: "هرگاه "کسی" مسلمین را به فریاد خواهی بخواهد و مسلمین اجابت نکنند مسؤولند، یعنی فرقی نمی کند که آن ستم دیده، چه دین و آیینی داشته باشد؛ مسلمین موظف به یاری رساندن به او هستند. اکنون مردمان مسلمان فلسطین ما را به یاری می خوانند، اگر قدرتی و مکنتی نیست که به یاری آنها بشتابیم، ولی از نوشتن چند سطر دربارهٔ تاریخ فلسطین و مبارزات آنها ناگزیریم.

چرا که هر مبارزه یی احتیاج به آگاهی دارد.

خداوند متعال در جزء ۱۵ قرآن سورهٔ اسراء آیات ۱-۴-۷-۶-۷ می فرماید: **(سبحان الذي أسري بعبده لیلاً من المسجد الحرام إلي المسجد الأقصي الذي بارکنا حوله لنریه من آیاتنا إنه هو السمیع البصیر)**

"پاک است آن (خدایی) که ببرد بندهٔ خود را شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن تا به بعضی نشانه های خود را به او بنمایانیم، هر آیینه اوست شنوا و بینا" (۱)

تا آنجا که می فرماید: **(و قضینا إلي بني إسرائیل في الکتاب لتفسدن في الأرض مرتین و لتعلن علواً کبیراً)**

"و وحی فرستادیم به سوی بنی اسرائیل در تورات که البته فساد خواهید کرد به طغیانی بزرگ".

(فإذا جآء وعد الهما بعثنا علیکم عباداً لنا اولي بأس شدید فجاسوا خلال الدیار و کان وعداً مفعولاً)

"پس چون بیاید وعدهٔ نخستین از آن دو، بفرستیم بر شما بندگان خود را صاحبان کارزار سخت را پس در آیند درمیان خانه ها و وعدهٔ خدا شدنی است".

(ثم رددنا لکم الکرة علیهم و أمددناکم بأموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیراً)

"باز شما را دوباره غلبه دهیم بر ایشان و پی در پی دهیم شما را اموال و فرزندان و گردانیدیم شما را بیشتر به اعتبار لشکر".

(إن احسنتم احسنتم لأنفسکم و إن أسأتم فلها فاذا جآء وعد الآخرة لیسوء وجوهکم و لتدخلوا المسجد کما دخلوه أول مره و لیتبروا ما علوا تتبیراً)

"اگر نیکو کاری کنید نیکو کرده باشید برای خدا و اگر بدکاری کنید پس آن بدی برای نفس خود شماست، پس چون بیاید وعدهٔ دیگر، باز بفرستیم بندگان خود را تا ناخوش سازند روی شما را و تا در آیند به بحر چنانکه در آمده بودند اول بار و تا هلاک کنند آنچه غالب شوند بر آن هلاک گردنی".

(عسي ربکم إن یرحمکم و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنم للکافرین حصیراً)

"نزدیک است پروردگار شما که رحم کند بر شما، و اگر رجوع کنید به نافرمانی، ما رجوع کنیم، به عقوبت، و ساختیم دوزخ را برای کافران زندانی (به مثل زندان)".

در این آیات مبارکه، خداوند متعال اعلام می کند که یهودیان دوبار در زمین فساد خواهند کرد، و به وسیلهٔ بندگان قدرتمند ما تنبیه خواهند شد، مفسران دربارهٔ این که دوبار فساد یهودیان چگونه خواهد بود، نظراتی به شرح زیر ابراز داشته اند:

بار اول شکست جالوت به وسیلهٔ حضرت داوود علیه السلام است. بار دوم بخت النصر بر فلسطین استیلا پیدا کرد. از آن زمان به بعد سلطنت یهود هیچ وقت به شکل کنونی قوت نگرفته است. بعضی علماء حملهٔ اول را حملهٔ بخت النصر (۵۸۷ سال پیش از میلاد مسیح) و وعدهٔ دوم، هجوم "طیطوس رومی" را که هفتاد سال پس از صعود مسیح به وقوع پیوسته است، مراد گرفته اند، چون در این هر دو حمله، بر یهود تباهی کامل وارد شد و "هیکل مقدس" برباد رفت.

برخی ها نظر دارند که منظور از دفعهٔ اول؛ تسلیم یهودیان در زمان حضرت عمر رضی الله عنه و یک بار در زمان ماست.

و اما باید دید که احادیث شریف در این باره چه می گوید:

(عن أبي هریره رضي الله عنه عن رسول الله صلي الله علیه وسلم: قال لاتقوم الساعه حتي تقاتلوا الیهود حتي یقول الحجر الذي ورآءه الیهودي یا مسلم! هذا یهودي وراني فاقتله.) (صحیح بخاری)

"حضرت ابو هریره از رسول خدا روایت می کند که رسول خدا فرمود: قیامت بر پا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود وارد جنگ شوند. تا آن جا که سنگی که یهود در پشت آن سنگ پنهان است می گوید: ای مسلمان! در پشت سر من یهودیی است، بیا و او را بکش".

از این آیات و احادیث چنین بر می آید که برخورد نهایی و فیصله کن بین یهود و مسلمانان اجتناب ناپذیر است چرا که **(ولتجدن أشد الناس عداوة للذین آمنوا الیهود) مانده/۸۲**

"و سر سخت ترین مردمان در دشمنی نسبت به اهل ایمان، یهودیان را می یابی قرآن کریم این کتاب الهی سر مشق برای انسانیت است".

خداوند به خلق و خوی انسان ها آگاه ترین است، اوست که یهودیان را به بدترین شکل ممکن معرفی می کند، در سوره های گوناگون از کج رفتاری های آنان با پیامبران مبعوث شده در بین خود شان خبر می دهد و در جوامع اهل کتاب، ایرادهای بنی اسرائیلی مشهور خاص و عام است، در سورهٔ بقره توضیحاتی دربارهٔ لج بازی های آنان با حضرت موسی علیه السلام که بزرگترین پیامبر بنی اسرائیل است داده شده است. و هم اینان هستند که خواهان عمر طولانی هستند و از ملاقات خداوندی در هراسند، اکنون قومی با چنین خصوصیات نژادی بر پیکرهٔ جهان اسلامی چنگ بیداد افگنده و پنجه های مرگبارش در تن فرزندان مسلمان فرو می رود و ارواح طیبهٔ پیامبران و صدیقین و شهدا و ائمه و علمای دین را در اندوه فرو می برد.

در آیات سورهٔ اسراء آمده که یهودیت دوبار در زمین به قدرت می رسد و هر دو بار هم بر اثر ظلم هایی که می کنند عذاب بر آنان واقع می شود.

اگر بار اول را آن چنان که در تفاسیر آمده مربوط به دورهٔ حضرت سلیمان بدانیم که بنی اسرائیل در حد اعلای قدرت قرار گرفتند، یقیناً آنها در دوره های بعدی هیچ گاه به آن حد از قدرت و مکنت نرسیدند، تا زمان ما که قدرت آنها رو به تزاید گذاشته و غول یهودیت همه جا به عنوان یک هیولا شناخته می شود، اکنون اختاپوس هزارپای صهیونیست، با جمع آوری ثروت های حرام که از راه ربا و غارت دسترنج ملت های مستضعف جهان به چنگ این نا سپاسان افتاده، در کشور آمریکا تکیه بر قدرت ابر صهیونیست را تغذیه می کنند پس این سؤال مطرح می شود که اسرائیل غاصب چندین دهه است که احساسات آزادگان جهان را جریحه دار می کند.

آیا هم اکنون زمان دومی نیست که در قرآن خبر از فساد بنی اسرائیل در زمین داده شده است؟

آیا وقت آن نیست که بار دیگر مسلمانان چهره های آنان را ناخوشایند سازند **(لیسوء وجوهکم)** و بار دیگر داخل مسجد الأقصی شوند آن چنان که اول بار در آمده بودند **(ولیدخلو المسجد کما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما علوا تتبیرا)** و جهنم برای آنان زندانی واقعی بسازند **(وجعلنا جهنم للکافرین حصیرا)**.

برخی از مفسران معاصر از جمله شیخ سعید حوی "رح" صاحب تفسیر (الأساس) بر آنند که: وعدهٔ قرآن به سرکوب دوم یهود و براندازی مطلق آنان در آستانهٔ فرا رسیدن است و این سرکوب به دست کسی جز مسلمانان به اجرا در نمی آیند، پس مسلمانان جهان باید برای این آوردگاه آماده شوند.

در شرق میانه چه ...

اما اتحادیه های عرب فقط با سردی مذاکره می کنند و بعداً وظیفهٔ خود را پایان یافته می پندارند. در حالی که مقولهٔ جدید حقوق بشر، حقوق جمعی است، سرنوشت بشر در هر جای جهان به هم گره خورده است در برابر یک تجاوز آشکار باید سایر انسان ها واکنش نشان دهند و به هر وسیلهٔ ممکنه باید جلو تجاوز گرفته شود، امروز فقط افکار عمومی بر ضد اسرائیل صف کشیده است و بس.

اگر حمایت کشورهای قدرتمند وجود نمی داشت دیگر اسرائیل قادر نبود که به چنین وحشتی دست یازد. جنگ افزارهای امریکایی و انگلیسی ملت فلسطین ولبنان را می کشد. اما سکوت کشورهای اسلامی و عربی خود جنایت خلق می کند، سلوک دنیای سوم و دنیای اسلام در جنایت شریک است. اما آنچه در این جنگ نا برابر ظرف ۴ هفته دیده شد، نیرومندی احزاب اسلامی در لبنان است که در هیچ وقت و درهیچ زمان اسرائیل با چنین ضربات کوبنده از جانب مخالفان خود مواجه نبوده است.

به گونه یی که جبهات جنگ نشان می دهد، تعدادی از اسرائیلی ها یا کشته و زخمی شدند و برای نخستین بار راکت های حزب الله توانست در عمق خاک اسرائیل نفوذ کند و از مرز حیفا پا فراتر گذارد که اسرائیل باید مزهٔ تلخ این جنگ را چشیده باشد. از جانب دیگر اگر هر قدر وحشت و جنگ اسرائیل و متحدینش بالای ملت مظلوم فلسطین ادامه یابد به همان پیمانه نفرت مردمان مظلوم و جان به کف در برابر امریکا افزایش خواهد یافت و جبههٔ مخالفان این کشور در برابر اسرائیل بیشتر خواهد گردید. فکر می شود که جبههٔ جدید مقاومت در شرق میانه در حال شکل گیری است. اگر اسرائیل و متحدانش به حق مردم فلسطین و لبنان و سوریه و اردن احترام نگذارند این کشور و همدستانش در گردابی غیر قابل تصور فرو خواهند رفت و آن وقت دیر خواهد بود تا به دنبال مذاکره رفت.

به یقین این نگرانی در برابر تجاوز جهانی عمل خواهد کرد و مخالفان غرب در تمام نقاط جهان تشویق خواهند شد، تا با مشت واحد و با شیوه های منظم در برابر چنین تجاوزات صف آرایی کنند که یقیناً این چنین صف بندی ها نه به نفع کشورهای جهان اول خواهد بود و نه به نفع کشورهای اسلامی و جهان سوم.

موقف ملت مسلمان و غیور ترکیه را در حمایت ملت فلسطین ...

وسیعلم الذین ظلموا أي منقلب ینقلبون

"و به زودی ستمکاران خواهند دانست که به چه صورتی سرنگون می شوند"

و در اخیر برای شما و اجتماع گرامی تان درود می فرستم و حمایت ملت مسلمان و غیور ترکیه را در یاری رسانیدن به ملت مظلوم فلسطین می ستایم و از خداوند بزرگ و توانا برای شما توفیق می خواهم.

برادر شما

برهان الدین ربانی

•این نامه در ۱۸ سرطان به تقاضای پرفیسر اربکان به زبان عربی در زمانی نوشته شده و در یک همایش بزرگ که از سوی حزب سعادت در ترکیه دایر شده بود خوانده شده است. اسرائیل در آن در غزه برضد فلسطینیان یورش برده بود و حملات نظامی آن برخاک لبنان آغاز نیافته بود. و البته جمعیت اسلامی افغانستان و شخص استاد برهان الدین ربانی به تکرار حملهٔ اسرائیل را به خاک لبنان نیز محکوم کرده و آن را تجاوز وحشیانه خوانده است.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ هفدهم | چهارشنبه ۱۸ اسد ۱۳۸۵ | ۱۴ رجب المرجب ۱۴۲۶ — | August 9 , 2006

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا ز عالی‌ترین آرزوهای ملت

نمایندهء ویژهء سازمان ملل در افغانستان در یک کنفرانس خبری:

بی توجهی به طالبان یک اشتباه بود

مواد مخدر در بی امنی ها نقش دارد

آقای تام کونیکس نمایندهء ویژهء دبیر کل سازمان ملل متحد در افغانستان می گوید عدم دعوت برخی از سران طالبان به منظور شرکت در کنفرانس بن در بیش از چهار سال گذشته، "اشتباهی" بود که به تعداد دشمنان افغانستان افزود.

آقای کونیکس در یک کنفرانس خبری روز دوشنبه ۱۶ اسد در کابل به نقل از آقای ابراهیمی گفت: نمایندهء پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان گفته است که این "اشتباه" سبب شد آن عده از طالبانی که امروز می توانستند در ردیف دوستان افغانستان باشند، حالا از دشمنان این کشور محسوب می شوند.

او با اشاره به گزارش سه ماههء سازمان ملل متحد به شورای امنیت در مورد وضعیت افغانستان گفت: افزایش فعالیت شورشیان مخالف دولت افغانستان در برخی مناطق این کشور و به ویژه در جنوب و جنوب شرق نگران کننده است و افزود که تأمین امنیت تنها از راه عملیات نظامی ممکن نیست.

آقای کونیکس با اشاره به سخنان ابراهیمی گفت: "این اشتباه ما بود که تلاش بیشتر نکردم تا آنها (طالبان) را در بخشی از توافقات بن جا دهیم



و در عوض آنها را در قطار دشمنان آورده ایم."

او افزود: "مطمئنا که شرکت دادن ملا عمر و تروریست های گروه طالبان در روند صلح ناممکن بود ولی یقینا حالا نیاز است تا در مقایسه به آغاز روند صلح، بیشتر روی مصالحه و آشتی با متباقی اعضای گروه طالبان کار شود."

اخضر ابراهیمی، نماینده پیشین سازمان ملل متحد در افغانستان و همچنان وزارت دفاع افغانستان اظهارات این مقام سازمان ملل متحد را "عجولانه" توصیف کردند.

ژنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان در گفتگویی با بی بی سی تأکید کرد که نه در گذشته و نه حالا، بستر برای حضور طالبان در حاکمیت افغانستان فراهم نبوده است.

آقای کونیکس قاچاق مواد مخدر را نیز از عوامل افزایش نا امنی ها در افغانستان خواند و گفت جامعهء جهانی و دولت افغانستان در مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر تا حالا موفق نبوده اند و افزود که باید در استراتژی مبارزه با مواد مخدر تجدید نظر شود.

او به گونهء نمونه از ولایت آشوب زدهء هلمند نام برد و گفت تشدید مبارزه با مواد مخدر در این ولایت سبب تشدید نا امنی ها شده است.

نمایندهء ویژهء سازمان ملل متحد در افغانستان این موضوع را که ظرف سال های اخیر گروه های مسلح شورشی در این کشور از بین رفته اند، نادرست خواند و بدون آن که به کشور خاصی اشاره کند گفت که شورشیان مسلح از بیرون مرزهای افغانستان مسلح و تجهیز می شوند.

آقای کونیکس همچنین به بحران خاور میانه اشاره کرد و گفت که اگرچه این بحران نگران کننده است ولی این موضوع هرگز منجر به این نخواهد شد که جامعه جهانی افغانستان را فراموش

وزیر دفاع اسرائیل متهم به جنایت جنگی شد



سه تن از یهودیان مراکش دادخواستی علیه امیر پرتز به اتهام انجام جنایات جنگی به دادگاه عالی رباط ارایه کردند.

به نقل از خبرگزاری فرانسه این سه یهودی که یکی فعال چپگرا، دیگری نویسنده و سومین فرد یک مقام رسمی از گروه حقوق بشر است، اظهار داشتند: امیر پرتز وزیر دفاع اسرائیل که متولد مراکش است، به دلیل آنکه اقامت این کشور را دارد باید در این کشور محاکمه شود.

این سه تن در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران گفتند: امیر پرتز صهیونیست، تروریست جنایتکار اقامت مراکشی دارد و نامش همچنان در ادارهء ثبت و آمار مراکش ثبت است و بر اساس قانون مراکش محاکمهء هر شهروند این کشور که مرتکب جنایت جنگی می‌شود چه در داخل و خارج در کشور در مراکش انجام می‌شود.

وکیل این سه مراکشی اعلام کرد: بیانیه‌های سیاسی امیر پرتز و دستورات او به سربازانش، جنایات جنگی و قتل عام‌هایی را علیه غیر نظامیان بی‌گناه به بار آورده است.

به گزارش خبرگزاری بازتاب امیر پرتز که نام اصلی‌اش امیر پرویز است، در سال جاری توانست در انتخابات داخلی حزب کارگر شیمون پرز، سیاستمدار کهنه‌کار اسرائیلی، را شکست دهد. زمانی که شارون به دلیل سیاست‌هایش در خروج از نوار غزه و تخلیه شهرک‌های یهودی نشین، در حزب لیکود به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و منجر به چالش عمیقی در این حزب شد، امیر پرتز بود که به کمک او آمد تا با تشکیل ائتلاف با وی، دولت اسرائیل را سر پا نگه دارد.

پدر و مادر ایرانی امیر پرویز او را در مراکش به دنیا آورده و سپس به ایران بازگشته‌اند، او تا هفت سالگی در ایران بوده و پس از آن به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده است.

یک کارمند سیا به اتهام بدرفتاری با یک زندانی در افغانستان محاکمه می شود

یک کارمند سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) به اتهام ضرب و شتم یک زندانی افغان که منجر به مرگ او شد، در آمریکا به دادگاه کشانده شده است.

این زندانی افغان به نام عبدالولی سه سال پیش در یک پایگاه نظامی آمریکاییان در افغانستان به دنبال دو روز ضرب و شتم پیاپی، در زندان جان داد.

دیوید پاسارو، اولین شهروندغیرنظامی آمریکاست که به اتهام ضرب و شتم یک زندانی افغان محاکمه می شود.

آقای پاسارو متهم است که این زندانی افغان را با لوله آهنی مورد ضرب و شتم کرده است. متهم، این ادعا را رد می کند.

عبدالولی به اتهام دست داشتن در حملات راکتی به پایگاه نظامیان آمریکایی، در افغانستان در زندان بسر می برد.

بر اساس گزارش سایت خبری ایرنا گفته می شود که دولت جرج بوش می کوشد تا تعدیلی را در قانون جنایات جنگی در آمریکا وارد کند که براساس آن، ماموران سازمان سیا و افسران سابق نظامی به دلیل بدرفتاری و تحقیر اسرا تحت تعقیب قرار نگیرند.

به گزارش ایرنا، اواسط دهه ۹۰ میلادی قانونی در آمریکا تصویب شد که با تکیه بر کنوانسیون ژنو رفتار خشن و تحقیرآمیز با اسرای جنگی را ممنوع می کند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی «کپیتال نیوز»، در این قانون جدید تنها ۱۰ مورد است که ارتکاب آنها غیرقانونی محسوب می‌شود. این موارد شامل قتل، تجاوز و گروگانگیری است.

از مواردی که برای ماموران آمریکا مجاز شمرده می‌شوند تحقیر زندانیان، برهنه کردن آنان و استفاده از سگ‌های مخصوص و پوشیدن لباس زیر زنان است که توسط زندانبانان آمریکایی در زندان ابوغریب عراق دیده شده است.

این تعدیل نگرانی کمیتهء بین‌الملل صلیب سرخ را به همراه داشته است.

برخی از مقامات ارتش آمریکا گفته‌اند که این تغییر در قوانین آمریکا موجب می‌شود که کشورهای دیگر با اسرای آمریکایی رفتار دیگری داشته باشند.

در صورت اجرای این قانون، امریکا خودش ناقض مادهء سوم کنوانسیون ژنو می باشد که توسط این کشور در سال ۱۹۴۹ امضا شده است.

نزدیک به چهل روز است که اسرائیل در ...

جنگ اسرائیل برضد مردم فلسطین وارد نزدیک به چهل روز و برضد مردم لبنان وارد بیست و هشتمین روزش می شود.

اسرائیل در این مدت به بی رحمانه ترین شکل مردم غیر نظامی فلسطین و لبنان را مورد حملهء توپخانهء زمینی و دریایی و جنگنده های نیروی هوایی قرار داده است، زیر ساخت های اقتصادی مانند نیروگاه های برق و جاده ها و پل ها و کارخانه ها و صدها ساختمان و منزل مسکونی را ویران کرده است.

در فلسطین چندین وزیر و بیش از بیست نمایندهء پارلمان را با رئیس آن به زندان انداخته و نخست وزیر فلسطین را مورد سوء قصد قرار داده است.

اسرائیل در لبنان تمامی روستاها و شهرک های جنوبی آن را تا حومهء بیروت پیوسته در این مدت بمباران کرده است و در چندین روستا مانند قانا و شیاح و... دست به کشتار جمعی زده است. تا هنوز قربانیان این جنگ وحشی در لبنان به هزار و چند صد نفر می رسند که بیشترین آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند، و چند صد هزار نفر دیگر خانه های شان را ترک گفته به سوریه پناه برده و یا در مکتب ها و پارک های شهر بیروت جای گرفته اند.

تا هنوز تلاش های جامعهء جهانی برای پایان دادن به این جنگ به موفقیت نرسیده است. در نخستین هفتهء جنگ کنفرانس روم متشکل از ۱۵ کشور مهم جهان به شمول کشورهای عربی مصر و عربستان سعودی و اردن برای این منظور تشکیل شد و در آن دولت لبنان طرحی هفت ماده یی را جهت پایان دادن به این جنگ پیشنهاد کرد که در آن آتش فوری و باز گرداندن اراضی شبعا از اشغال اسرائیل به لبنان خواسته شده بود ولی به خواست اسرائیل با مخالفت آمریکا با برقراری آتش بس فوری، این کنفرانس نتیجه یی بار نیاورد.

شورای امنیت ملل متحد نیز تا هنوز نتوانسته است دربارهء آتش بس در این جنگ قطعنامه یی صادر کند. چند روز پیش توافقی بین فرانسه و آمریکا جهت اصدار قطعنامه یی از سوی شورای امنیت در این زمینه صورت گرفت که در میان سایر اعضای آن مورد بررسی قرار دارد. در این طرح سخن از توقف تجاوزات آمده است و به تصریح عقب نشینی فوری نیروهای اسرائیلی از خاک لبنان خواسته نشده است. اما این طرح از سوی لبنان و کنفرانس وزیران خارجهء کشورهای عربی که در روز دوشنبه ۱۶ اسد در بیروت برگزار شده بود مورد تأیید قرار نگرفته است.

کنفرانس وزیران خارجهء کشورهای عربی خواهان تعدیلاتی در این طرح هستند به گونه یی که با طرح هفت ماده یی لبنان سازگاری داشته باشد این طرح را هیأتی از این کنفرانس به شورای امنیت برده اند.

هرچند اسرائیل تا هنوز بر راه حل نظامی در این جنگ تأکید می کند و از تن دادن به مذاکرات ابا می ورزد و می خواهد نیروهای حزب الله در جنوب لبنان را کاملاً نابود کند و خود را تا رود لیطانی در جنوب لبنان برساند. اما تا کنون به مقاومت بسیار سرسختانه های نیروهای حزب الله مواجه شده است که در طول تاریخ به وجود آمدنش تا کنون چنین مقاومتی را در هیچ جنگی از سوی عرب ها ندیده بود. همهء شهرها و شهرک های شمالی اسرائیل در این جنگ از سوی نیروهای حزب الله هدف قرار گرفته و ده ها نظامی آن در این حملات موشکی کشته شده اند و این موشک ها تا نزدیکی های تل ابیب مرکز اسرائیل رسیده است. با آن که اسرائیل تا هنوز بیش از ۱۰۰ سرباز و افسر را در جبهات جنگ کشته داده و شماری فراوان از تانک و ابزارهای جنگی را از دست داده است، پیروزیی به دست نیاورده است.

این جنگ شدیداً به حیثیت اسرائیل لطمه وارد کرده و بر نیرو و جایگاه حزب الله افزوده است. بسیاری از کارشناسان سیاست و جنگ به این باور رسیده اند که اسرائیل جنگ را باخته است.